

رساله‌ای در

## شرح احوال و آثار امام نجم‌الدین ابوحفص نسفی

دکتر محمد عمر جویا

جدی ۱۴۰۱ هـ ش

مرکز مجازی مطالعات و احیای آثار اسلامی بینات

<http://bayyinat.org>

فهرست موضوعات

- معرفی مختصر ..... ۳
۱. شرایط سیاسی و مذهبی در عصر امام نسفی ..... ۴
۲. نام، زادگاه و اقامتگاه او ..... ۷
۳. استادان و شیوخ او ..... ۹
- فخرالاسلام امام ابوالحسن علی بن محمد بزدوی (متوفای ۴۸۲ هـ): ..... ۱۰
- صدرالاسلام امام ابوالیسر محمد بن محمد بزدوی (متوفای ۴۹۳ هـ): ..... ۱۰
- امام ابوالمعین میمون بن محمد مکحولی نسفی (متوفای ۵۰۸ هـ): ..... ۱۱
۴. جایگاه او در میان علمای هم‌عصرش و در میان متأخرین ..... ۱۲
- ایراد ابوسعید سمعانی بر امام نسفی، و توضیحاتی در مورد آن: ..... ۱۴
۵. شاگردان امام نسفی ..... ۱۷
- برهان‌الدین علی بن ابوبکر رُشتانی فرغانی مرغینانی (۵۱۱-۵۹۳ هـ): ..... ۱۷
- ابوهارون موسی بن عبدالله قحطانی مغربی: ..... ۱۹
- برهان‌الدین ابوعبدالله محمد بن حسن کاسانی سمرقندی (متوفای ۵۵۶ هـ): ..... ۱۹

- ابوبکر بن احمد بلخی، مشهور به ظهیر (متوفای ۵۵۳ هـ): ..... ۱۹  
 ابوالعباس احمد بن موسی بن عیسی الکیشی (متوفای ۵۵۰ هـ): ..... ۲۰

## ۶. آثار و تألیفاتش ..... ۲۰

- الف. در تفسیر و قرائت: ..... ۲۱  
 ۱. «التیسیر فی التفسیر»: [ج] ..... ۲۱  
 ۳. «تفسیر نسفی» (به فارسی): [ج] ..... ۲۲  
 ۴. «رساله فی الخطأ فی قراءة القرآن» یا «زلة القارئ»: [ج] ..... ۲۴  
 ب. در علم کلام: ..... ۲۶  
 ۵. «العقائد النسفیة» یا «عقائد النسفی» (به عربی): [ج] ..... ۲۶  
 ۶. «بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت» (به فارسی): [ج] ..... ۲۸  
 ج. در فقه، اصول الفقه، و خلافت: ..... ۳۱  
 ۷. «المنظومة النسفی فی الخلاف» / «منظومة فی الخلافات»: [ج] ..... ۳۱  
 ۸. حصر المسائل وقصر الدلائل: [ج] ..... ۳۴  
 ۹. «طلبة الطلبة فی الإصطلاحات الفقهیه»: [ج] ..... ۳۵  
 ۱۲. «شرح مدار الأصول»: [ج] ..... ۳۶  
 ۱۳. «أصول النسفی (تحصیل أصول الفقه وتفصیل المقالات فیها علی الوجه)»  
 [ج]: ..... ۳۶  
 ۱۴. «مشارع الشارح» [ع]: ..... ۳۶  
 ۱۶. «فتاوی شیخ الإسلام أبی الحسن عطاء بن حمزة السغدی»: [ج] ..... ۳۷  
 ۱۷. «الفتاوی النسفیة» [ع]: ..... ۳۷  
 هـ. در تاریخ و تذکره: ..... ۳۸  
 ۱۸. «القند فی ذکر علماء سمرقند»: [ج] ..... ۳۸  
 و. در حدیث و اسناد: ..... ۳۸  
 ز. در شعر و ادب: ..... ۳۹  
 ۲۶. «مطلع النجوم و مجمع العلوم»: [ن] ..... ۳۹  
 آثار مشکوک ..... ۳۹

## معرفی مختصر

نجم‌الدین ابوحفص عمر نسفی حنفی (۶۱۱ - ۵۳۷ هـ) فقیه، مفسر، متکلم، محدث، ادیب، شاعر و تاریخ‌نویس قرن پنجم و ششم هجری بود. به سخن علامه سعدالدین تفتازانی هروی، او «امامِ بلندهمت، پیشوای علمای اسلامی، و ستارهٔ درخشانِ ملت و دین»<sup>۱</sup> و به الفاظ ابوسعید سمعانی شافعی، وی «امامِ فقیهِ فرهیخته، و دانا در دین و ادب»<sup>۲</sup> بود.

وی نزد علمای پیش‌کسوت مذهب حنفی، چون فخرالاسلام امام بزدوی، نویسندهٔ «اصول بزدوی» یکی از کتاب‌های اساسی حنفی در اصول الفقه؛ و امام ابوالمعین نسفی، متکلم پیشگام ماتریدی که شاید دومین متکلم برجسته پس از امام ابومنصور ماتریدی در این مکتب کلامی باشد، علم آموخت. و به نوبهٔ خود شخصیتی چون برهان‌الدین مرغینانی را تعلیم و آموزش داد که کتاب «الهدایه» او بدون شک پرمطالعه‌ترین اثر فقهی در مذهب حنفی در طول این مدت بوده، و آن را هم‌طراز کتاب‌هایی چون «بداية المجتهد» ابن رشد در مذهب مالکی و «الوجیز» حجة الاسلام امام غزالی در مذهب شافعی می‌دانند.

مشهورترین آثار بجا مانده از امام نجم‌الدین نسفی که در عصر حاضر به چاپ و نشر رسیده اند عبارت اند از: «عقائد النسفی» که در پهلوی «فقه اکبر» و «عقیده الطحاوی» مهم‌ترین اثر در بیان عقیدهٔ اهل سنت و جماعت به شمار می‌رود، و نزدیک به یکصد شرح و حاشیه بر آن تا هنوز نوشته شده است؛ «التیسیر فی التفسیر» که در آن تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر ادبی، تفسیر مأثور و روایی، تفسیر به رأی، و تفسیر عرفانی را بگونهٔ شگاری باهم گرد آورده است؛ «تفسیر نسفی» که یگانه ترجمهٔ مسجع و موزون کامل قرآن مجید به زبان فارسی است؛ «المنظومه فی الخلافیات» که موارد اختلافی فقهی میان ابوحنیفه و شاگردانش (ابویوسف،

<sup>۱</sup> «شرح العقائد النسفیة للعلامة سعدالدین التفتازانی»، به تصحیح احمد حجازی السقا، مكتبة الكليات الأزهریة، القاهرة: ۱۹۸۷ میلادی: «إمام الهمام، قدوة علماء الإسلام، نجم الملة والدين، عمر النسفی، أعلا الله درجته فی دار السلام».

<sup>۲</sup> «التحییر فی المعجم الكبير»، عبدالکریم السمعانی، به تصحیح منیره ناجی سالم، رئاسة دیوان الأوقاف، بغداد:

۱۹۷۵ م. (شمارهٔ مورد: ۵۱۴)

شیبانی و زُفَر)، و شافعی و مالک را در بیشتر از ۲۶۰۰ بیت به شکل منظوم بیان کرده و بر این اثر بیش از ده شرح نوشته شده است؛ «*طلبة الطلبة فی الإصطلاحات الفقهية*» که طی قرن‌ها بحیث یکی از کتب اساسی تدریس فقه حنفی مورد استفاده قرار داشته است؛ و «*القند فی ذکر علماء سمرقند*» که در آن زندگی‌نامهٔ بیش از ۱۲۰۰ تن از علمای ماوراءالنهر را معرفی نموده و یکی از منابع عمده در تذکره و انساب این حوزه به شمار می‌رود.

## ۱. شرایط سیاسی و مذهبی در عصر امام نسفی

دورهٔ زندگی امام نجم‌الدین نسفی با سلطنت سلجوقیان متصادف بود. در عصر او، سلطان احمد سنجر پسر سلطان ملک‌شاه سلجوقی در رأس سلطنت سلجوقیان در خراسان و ماوراءالنهر قرار داشت. حکمرانی او بحیث حاکم خراسان و سپس بحیث سلطان سلجوقیان میان سال‌های ۱۰۸۵ و ۱۱۵۷ میلادی اتفاق افتاده است.

دورهٔ سلجوقیان دورهٔ اوج تنش‌ها و رقابت‌های مذهبی در خراسان بود. با آنکه سلطان سلجوق بیگ مؤسس سلجوقیان به مذهب حنفی گرائیده بود و اولاده‌ای او که بر تخت سلطنت تکیه زدند نیز حنفی‌مذهب بودند، اما نفوذ شافعی‌مذهبان در دربار سلجوقیان با گذشت زمان پررنگ‌تر گردید. بعضی از وزرای مقتدر شان، چون خواجه نظام‌الملک طوسی (وزیر سلطان الپ ارسلان و سلطان ملک‌شاه)، شافعی‌مذهب بودند و عده‌ای از سلاطین سلجوق تمایل زیادی به مذهب شافعی پیدا کرده بودند.

از لحاظ جغرافیایی، سرزمین‌های اطراف غزنین، بلخ، سمرقند و بخارا حنفی‌مذهب، و سرزمین‌های اطراف طوس، اسفرائین و جُویَن شافعی‌مذهب بودند. نیشاپور که برای مدتی پایتخت سلطنت نیز بود، حنفی‌ها و شافعی‌ها هر دو در آنجا حضور داشتند. ولیکن در هرات، جوزجان و سیستان حنبلی‌مذهبان و کرامیه بیشتر نفوذ داشتند، و غیرمترقبه نیست که خواجه عبدالله انصاری (با آنکه در دوره‌ای قبل از سلجوقیان می‌زیست) نیز حنبلی‌مذهب بود و سخت مخالف اشعری‌ها، تا حدی که او را بخاطر تاخت و تازش بر اشاعره و برای اعتقاداش که مکان و جهت را برای ذات خداوند ثابت می‌ساخت باری به بلخ برده زندانی‌اش کرده بودند.

در دوران سلجوقیان، رقابت‌ها میان حنفی‌ها و شافعی‌ها با جانبداری بعضی از سلاطین و وزرای سلجوق به تنش‌های جدی مبدل می‌گشت. امام الحرمین ابوالمعالی جوینی کتاب «مغیث الخلق فی ترجیح قول الحق» را در فضیلت و برتری مذهب شافعی بر مذهب حنفی نوشت. اما چون بر عمیدالملک کُندری (وزیر سلطان طغرل و الپ ارسلان سلجوقی) که حنفی مذهب بود خوش نخورد، مجبور شد تا از نیشاپور موقتاً فراری گردد و برای مدت چهار سال در مکه اقامت گزیند.<sup>۱</sup> امام قُشیری نیز که شافعی مذهب بود مجبور به ترک خراسان شده بود. تا آن‌که خواجه نظام‌الملک وزیر دربار مقرر گردید، و زمینه برگشت امام جوینی، امام قشیری و نیز ابوالمظفر منصور سمعانی را (که پدرکلان ابوسعید سمعانی نویسنده «الأنساب» و «التحیر» بود و در جریان سفرش به بغداد و حجاز از مذهب حنفی به مذهب شافعی گرائیده بود) به نیشاپور فراهم ساخت. برعکس عمیدالملک، خواجه نظام‌الملک شافعی‌مذهبان را تقویت کرد و زمانیکه مدرسه یا دانشگاه «نظامیه نیشاپور» را تأسیس کرد نخست امام الحرمین جوینی و سپس شاگردش امام غزالی را به تدریس در آنجا گماشت.

اما این چنین تبعید نمودن‌ها یا سرزنش‌های سیاسی تنها در حق شافعی‌مذهبان صورت نگرفته است. امام شمس‌الدین سرخسی حنفی – مجتهد بزرگ مذهب حنفی و نویسنده کتاب «المبسوط» و «اصول سرخسی» – بخاطر فتواها و نظریات فقهی‌اش برای مدت نسبتاً طولانی به زندان افکنده شده بود که بخشی از کتاب «المبسوط» خویش را در زندان نوشت.

گذشته از تنش‌های سیاسی، رقابت‌ها میان علما نیز گاه گاهی ناسالم می‌گردید. طور مثال حنفی‌مذهبان نیشاپور بر امام محمد غزالی دسیسه چیدند و نسخه‌های «المنقذ من الضلال» و «مشکوۃ الأنوار» او را تحریف کرده برایش فرستادند تا خط اجازت بر پشت آنها بنویسد، و به سلطان احمد سنجر خبر رساندند که گویا او «در امام ابوحنیفه رحمه الله علیه طعن کرده است».<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «مذهب در خراسان عصر سلجوقی»، علیرضا روحی، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، شماره دوم، ۱۳۹۳.

<sup>۲</sup> «مکاتیب فارسی غزالی»، به نام فضائل الأئام من رسائل حجة الإسلام»، به تصحیح عباس اقبال، تهران: ۱۳۳۳.

علم جدل و علم خلاف در این دوره، هم در میان شافعی‌ها و هم در میان حنفی‌ها، رشد نموده بود. برعلاوه آثار کتبی که در این دو رشته نوشته شدند، اکثر علما مجلس‌های بحث و مناظره برپا می‌داشتند. امام محمد غزالی - قبل از ترک بغداد و قبل از عزلت گزیدنش در دمشق و بیت المقدس برای دوازده سال - ازین امر مستثنی نبود. ابو اسحاق شیرازی شافعی در بغداد چنان به مسائل خلافیات فقهی دامن می‌زد که ابن صباغ، اولین مدرس «نظامیه بغداد»، در موردش گفته بود: «اگر شافعی و ابوحنیفه باهم سازگار شوند، علم ابو اسحاق شیرازی از میان می‌رود.»<sup>۱</sup>

از سویی هم، فرقه اسماعیلیه نفوذ زیادی در خراسان پیدا نموده بودند. امام غزالی سه کتابی («فضایح الباطینه» مشهور به المستظهری، «قواصم الباطینه»، و «القسطاس المستقیم») را در رد مذهب باطنیه، یا تعلیمیه، یا اسماعیلیه نوشت. با آنکه گروه اسماعیلیه مورد سرکوب سلجوقیان قرار گرفته بودند، ایشان روی هم‌رفته قدرت نظامی خویش را پوشیده انسجام بخشیدند، تا جایی که در سال ۴۸۵ هـ گروه حسن صباح اسماعیلی توانست خواجه نظام‌الملک را در راه اصفهان به بغداد به قتل برساند.

با این همه نابسامانی‌ها در این دوره، قرن پنج و شش هجری دوره شگوفایی ماوراءالنهر و خراسان در گسترش و تولید آثار علمی در فقه شافعی و حنفی بود. از میان شافعیان، امام الحرمین ابوالمعالی جوینی، حجة الاسلام ابوحامد غزالی، امام عبدالکریم قشیری (عارف و مفسر)، امام بیهقی (محدث سرشناس)، ابوسعید سمعانی (فقیه و تذکره‌نویس)، ابومحمد بغوی (مفسر مشهور)، و ابوالمظفر شاهپور اسفراینی (فقیه و مفسر) که از خراسان برخاسته بودند آثار گرانمایی را در مذهب شافعی و کلام اشعری به جهان معرفی کردند.

از میان حنفیان، امام ابوبکر سرخسی (فقیه و مجتهد بزرگ مذهب حنفی)، فخرالاسلام امام بزدوی (فقیه و عالم اصولی معروف)، امام ابوالیسر بزدوی (فقیه)، امام ابوالمعین نسفی (متکلم پیشگام ماتریدی)، امام ابوحفص نسفی (فقیه، مفسر و متکلم)، جارالله زمخشری (نحوی و مفسر برجسته)، نجم‌الدین کبری (عارف و مفسر)، علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی

<sup>۱</sup> «غزالی‌نامه: شرح حال و آثار و افکار امام غزالی»، جلال الدین همایی، تهران: ۱۳۶۸. (صفحه ۲۱)

(فقیه و متکلم)، علاء‌الدین ابوبکر کاسانی (فقیه و نویسنده «بدائع الصنائع»)، و برهان‌الدین مرغینانی (فقیه و نویسنده کتاب «الهدایه») از ماوراءالنهر برخاستند و کتاب‌های اساسی را در فقه حنفی، اصول الدین، و کلام ماتریدی (به استثنای زمخشری که معتزلی بود) به جهان اسلام عرضه داشتند.

## ۲. نام، زادگاه و اقامتگاه او

ابوحفص عمر بن محمد بن احمد نسفی سمرقندی در سال ۶۶۱ هجری (۱۰۶۸ میلادی) در نَسَف زاده شد. نسف یا نَخشب نام شهری بود در ماوراءالنهر که امروز به نام قَرشی یاد میشود و در کشور ازبکستان موقعیت دارد. نسف یا قرشی در ۱۵۰ کیلومتری جنوب سمرقند و بخارا و در ۳۵۰ کیلومتری شمال بلخ قرار گرفته است.

او به القاب «نجم‌الدین»، «حافظ»، و «مفتی‌الفریقین» یا «مفتی‌الثقلین» (که گویا در هر دو مذهب حنفی و شافعی مفتی بود) معروف است.

درباره جزئیات زندگی او معلومات کمی بدسترس ما قرار دارد. شرح حال او را ابوسعید سَمَعانی شافعی در «التحבیر فی المُعْجَم الکبیر»، یاقوت حَمَوی در «مُعْجَم الأدباء»، شمس‌الدین ذهبی در «سیر أعلام النبلاء» و «تاریخ الإسلام»، ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان»، جلال‌الدین سیوطی در «طبقات المفسرین»، حاجی خلیفه مشهور به کاتب چلبی در «کشف الظنون»، محی‌الدین عبدالقادر قُرشی در «طبقات الحنفیه»، و علامه لکنوی در «تراجم الحنفیه» نقل کرده اند.

آنچه که درباره زندگی نجم‌الدین نسفی می‌دانیم اینست که او بیشتر سال‌های عمر خود را در سمرقند گذراند، و در همانجا وفات کرد. ازین رو، به لقب «سمرقندی» نیز معروف است. او چندین بار حین سفر به حج، به بغداد اقامت می‌گزیده است، و در آنجا از محدثین بغداد

چون ابوالقاسم بن بیان، مشهور به ابن رزاز، سمع حدیث نموده است.<sup>۱</sup> گزارشی از ملاقات او در مکه معظمه با جاراالله زمخشری نیز وجود دارد.<sup>۲</sup>

تاریخ وفات او به تاریخ ۱۲ ربیع الأول ۵۳۷ هجری (۱۱۴۲ میلادی) گزارش شده است. او را در سمرقند در حظیره‌ای به نام «چاکردیزه» در نزدیکی قبر امام ابومنصور ماتریدی به خاک سپردند. مزار چاکردیزه محل دفن اکثریت علمای اسلامی و فقیهان سمرقند، بشمول امام ماتریدی، حکیم ابوالقاسم سمرقندی، و مفسر مشهور، ابواللیث سمرقندی، بود. در رساله «قندیه» آمده است که مردم سمرقند و ماوراءالنهر مزار چاکردیزه را بعد از «جنت البقیع» در مدینه و «جنت المعلّاء» در مکه، سومین مزار بزرگ و پربرکت جهان اسلام می‌پنداشتند.<sup>۳</sup>

با تأسف که این قبرستان در سال‌های ۱۹۳۰ یا ۱۹۴۰ میلادی کاملاً به خاک یکسان شد، و گفته می‌شود که در آن زمان حدود سه هزار قبر از علمای اسلامی و دانشمندان سمرقند در آن موجود بود که همه ویران گردیدند. پس از فروپاشی کمونیسم و به استقلال رسیدن ازبکستان، تلاش برای احیای قبر شخصیت‌های بزرگ اسلامی صورت گرفت. در سال ۲۰۰۰ میلادی، تنها قبر امام ماتریدی در مزار چاکردیزه تثبیت گردید و گنبد و تربت او دوباره اعمار شد. اما متأسفانه که اثری از سائر قبرها در این محل باقی نمانده است.

پسر نجم‌الدین نسفی، ابواللیث احمد بن عمر، معروف به «مجد»، نیز فقیه و محدث و عالم جوانی بود. او در سال ۵۵۲ هـ زمانی که از حج برمی‌گشت، توسط دزدان در نزدیکی قومن و بسطام همراه با ۷۰ تن از علمای دیگر ماوراءالنهر و خراسان که در یک قافله بودند، به عمر ۴۵ سالگی کشته شد و در بسطام دفن گردید.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> «سیر أعلام النبلاء»، شمس‌الدین ذهبی، دارالحدیث، قاهره: ۲۰۰۶ م. (شماره مورد: ۴۸۷۵)

<sup>۲</sup> این موضوع را محی‌الدین قرشی حنفی در کتاب «الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه» (جلد اول، شماره مورد: ۱۰۹۰) گزارش داده است.

<sup>۳</sup> «قندیه: در بیان مزارات سمرقند»، ملا عبدالحکیم سمرقندی، به تصحیح ایرج افشار، تهران: ۱۳۳۴. (صفحه ۵)

<sup>۴</sup> «الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه»، محی‌الدین ابومحمد قرشی حنفی (جلد اول، شماره مورد: ۱۵۹).



### ۳. استادان و شیوخ او

امام ابوحفص نسفی تعداد استادان خود را، بشمول محدثینی که حدیث از ایشان استماع نموده و عالمانی که فقه و کلام و سائر علوم دینی را از ایشان آموخته، بالغ بر ۵۵۰ تن نامیده است.<sup>۱</sup> گویند که اسامی استادان و شیوخ حدیث خود را در رساله‌ای به نام «تعداد الشیوخ لعمر مستطرف علی الحروف مستطر» نگاشته بود، که امروز نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.

در علم حدیث، نام محدثینی که امام ابوحفص نسفی از آنها سمع حدیث نموده است در منابع اولیه (تذکره‌ها، طبقات و معجم) بسیار زیاد آمده است. از آن جمله، می‌توان از اسماعیل بن محمد نوحی نسفی (متوفای ۴۸۱ هـ)،<sup>۲</sup> قاضی ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی (۴۸۷ هـ)،<sup>۳</sup> ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی (۴۹۱ هـ)،<sup>۴</sup> و ابوالقاسم بن بیان، مشهور به ابن رزاز بغدادی (۵۱۰ هـ)<sup>۵</sup> یاد کرد که از جمله محدثین مشهور قرن پنجم هجری در ماوراءالنهر و بغداد به شمار می‌آیند. هم‌چنان، امام ابوحفص نسفی اجازه روایت از «صحیح بخاری» را به پنج سلسله متفاوت از طریق ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفری نسفی (۴۳۲ هـ) در دست داشت.<sup>۶</sup>

از استادان برجسته او در فقه، اصول‌الدین، و علم کلام می‌توان از شخصیت‌های زیر یادآوری کرد:

<sup>۱</sup> «لسان المیزان»، ابن حجر العسقلانی، به تصحیح عبدالفتاح ابو غده، دارالبشائر الإسلامیه: ۲۰۰۲ م. (شماره وارده: ۵۶۸۱).

<sup>۲</sup> «الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه» محی‌الدین عبدالقادر قرشی (جلد اول، شماره مورد: ۳۱۹).

<sup>۳</sup> شمس‌الدین ذهبی سوانح او را در «سیر أعلام النبلاء»، در شماره ۴۴۹۶، بیان نموده است.

<sup>۴</sup> شمس‌الدین ذهبی سوانح او را در «سیر أعلام النبلاء»، در شماره ۴۵۴۸، بیان نموده است.

<sup>۵</sup> شمس‌الدین ذهبی سوانح او را در «سیر أعلام النبلاء»، در شماره ۴۵۸۲، بیان نموده است.

<sup>۶</sup> «إسناد صحیح البخاری»، ابن ناصرالدین (ص: ۳۰۷). بنگرید به مقدمه ماهر ادیب حبوش بر «التیسیر فی التفسیر».

### فخرالاسلام امام ابوالحسن علی بن محمد بزدوی (متوفای ۴۸۲ هـ):

او از جمله فقهای بزرگ مذهب حنفی بشمار می‌رود. نویسنده کتاب مشهور «کنز الوصول» در اصول‌الدین است که بیشتر بنام «اصول بزدوی» شناخته می‌شود. این کتاب برای قرن‌های متمادی کتاب درسی در اصول الفقه بود، و بر آن تعداد انبوهی از شرح‌ها نوشته شده است. فخرالاسلام در سال ۴۸۲ هـ در بخارا وفات نمود.

در زمان حیات فخرالاسلام، ابوحفص نسفی بایست جوان بیست ساله‌ای بیش نبوده باشد. با آن‌که نسبت شاگردی‌اش به فخرالاسلام در منابع اولیه نیامده است، اما ماهر ادیب حبّوش - مصحح «التیسیر فی التفسیر» - در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است استدلال می‌ورزد که دو تن از شارحان اصول بزدوی<sup>۱</sup> در مقدمه خود ذکر کرده اند که آنها «اصول بزدوی» را به سلسله روایتی که به فخرالاسلام می‌رسد فرا گرفته اند، و در این سلسله امام ابوحفص نسفی بحیث شاگرد مستقیم فخرالاسلام ذکر گردیده است.<sup>۲</sup>

### صدرالاسلام امام ابوالیسر محمد بن محمد بزدوی (متوفای ۴۹۳ هـ):

او برادر فخرالاسلام بزدوی بود. از جمله فقیهان شناخته شده حنفی است، و بنام «قاضی الصدر» معروف بود چون در شهر سمرقند قضا را به عهده داشت. بعضی منابع او را به اشتباه نویسنده کتاب «اصول بزدوی» می‌دانند، اما در واقع امام ابوالیسر کتاب جداگانه‌ای در اصول‌الدین بنام «معرفة الحجج الشریعة» دارد، که بعضی‌ها همین کتاب را با «اصول بزدوی» (کنز الوصول) به اشتباه گرفته اند. او در سال ۴۹۳ هـ در بخارا وفات نموده است.

<sup>۱</sup> یعنی حسام‌الدین سغانی (متوفای ۷۱۱ هـ) نویسنده «الکافی شرح البزدوی» و علاءالدین بخاری (متوفای ۷۳۰ هـ) نویسنده «کشف الأسرار شرح أصول البزدوی».

<sup>۲</sup> مقدمه ماهر ادیب حبّوش در «التیسیر فی التفسیر»، داراللباب، بیروت: ۲۰۱۹ م (صفحه ۱۶).

همه منابع اولیه، او را یکی از استادان ابوحفص نسفی گزارش داده اند. علامه لکنوی سلسله روایت او را از طریق ابوسلیمان جوزجانی مستقیماً به دو سلسله تا امام ابویوسف و امام محمد شیبانی نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

### امام ابوالمعین میمون بن محمد مکحولی نسفی (متوفای ۵۰۸ هـ):

او را بزرگترین متکلم در مکتب ماتریدی پس از امام ابومنصور ماتریدی می‌دانند. کتاب‌های «تبصرة الأدله» و «بحر الکلام» او را بعد از کتاب التوحید امام ماتریدی مهم‌ترین آثار در کلام ماتریدی می‌پندارند.

از جمله شاگردان مشهور او، برعلاوه ابوحفص نسفی، از علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی (نویسنده کتاب «تحفة الفقهاء») می‌توان یاد کرد. ابوالمعین نسفی در سال ۵۰۸ هـ در نسف وفات کرد.

در اکثر منابع اولیه، از نسبت استادی او با ابوحفص نسفی یادآوری نشده است. اما شمس‌الدین ذهبی در «تاریخ الإسلام» نوشته است که ابوحفص نسفی در سوانح ابوالمعین نسفی در کتاب «القند فی ذکر علماء سمرقند» نوشته بود که «او استادم است».<sup>۲</sup> در چاپ کتاب «القند» به تصحیح یوسف هادی، سوانح ابوالمعین نسفی از نسخه‌هایی که او مورد استفاده قرار داده است افتاده است. اما عین نقل قول از گفتار ابوحفص نسفی در مورد ابوالمعین نسفی در حاشیه نسخه «تبصرة الأدله» نیز نوشته شده است، و این گواه بر صحت بودن چنین متن در کتاب «القند» دارد. یوسف هادی این متن را با ذکر هردو منبع در مستدرک کتاب گنج‌انیده است.

<sup>۱</sup> «الفوائد البهية في تراجم الحنفية»، علامه عبدالحی لکنوی، به تصحیح محمد بدرالدین نعاسی، دارالکتاب الإسلامی، قاهره: ۱۳۲۴ هـ (جزء ۱، صفحه ۱۴۹).

<sup>۲</sup> «تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام»، شمس‌الدین محمد ذهبی، به تصحیح بشار عواد معروف، دارالغرب الإسلامی، بیروت: ۲۰۰۳ م (جلد ۱۱، صفحه ۱۱۹، شماره مورد: ۲۴۵).

گذشته از آن، شباهت تنگاتنگ «عقائد النسفی» ابوحفص نسفی با کتاب تبصرة الأدلة ابوالمعین نسفی رابطه استادی و شاگردی را میان این دو تن بیشتر تقویت می‌کند. چنان به نظر می‌رسد که نجم‌الدین ابوحفص نسفی از امام ابوالمعین نسفی سخت متأثر بوده، و ازین رو در نوشتن عقائد النسفی از ساختار کتاب تبصرة الأدلة او پیروی کرده است، تا حدی که بعضی‌ها گفته اند که عقائد النسفی چکیده یا مختصر کتاب تبصرة الأدلة است. و چنین تأثیرپذیری تنها در رابطه استادی-شاگردی میان این دو می‌تواند متصور باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴. جایگاه او در میان علمای هم‌عصرش و در میان متأخرین

در سال ۵۳۵ هـ سلطان سنجر سلجوقی به سمرقند لشکرکشی کرد، تا حکمران آن شهر را که دست به بغاوت و سرکشی زده بود مهار کند.<sup>۲</sup> در این لشکرکشی، حاکم ولایت سیستان، امیر ابوالفضل، نیز سلطان را همراهی می‌کرد. پس از تسلیم گیری شهر سمرقند، سلطان سنجر با علما، قضات و شیوخ شهر دیداری داشت. در این دیدار، امیر سیستان از « ائمه » و علمای سمرقند درخواست کرد تا رساله‌ای در بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت بنویسند، و در اخیر آن همه امضاء کنند، تا آن را با خود به سیستان ببرد و هرکه در آنجا خلاف آن سخن گوید، مجازاتش کند. دلیل آن شاید این بوده باشد که حنابله و کرامیه در سیستان نفوذ پیدا نموده

<sup>۱</sup> پژوهش‌گران معاصر تاریخ کلام اسلامی صحت بودن گزارش علامه ذهبی را در مورد ابوالمعین نسفی و ابوحفص نسفی تأیید می‌کنند، طور مثال رجوع کنید به منابع زیر به زبان انگلیسی:  
«قرآن بومی: گسترش ترجمه و تفسیر قرآن به زبان فارسی»، تراویس زاده، انتشارات دانشگاه آکسفورد: ۲۰۱۲ م. (صفحه ۲۹۱).

«الحدیث المشهور: رجوع احتاف به روش کوفی‌ها»، نویسنده مقاله: سهیل حنیف، نشر شده در کتاب «بازیابی شریعت: روش فقهی در نظریه، تاریخ و عمل» به تصحیح سهره صدیقی، نشرات Brill: سال ۲۰۱۹ م. (صفحه ۹۹).

<sup>۲</sup> «رساله ابوحفص نسفی در بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت»، محمد خوانساری و آلبرت ناپلئون کمپانیونی، فرهنگ ایران‌زمین، شماره ۴، سال ۱۳۳۵ هـ.ش.

بودند، و ازینرو امیر می‌خواست تا فتوایی از علمای ارشد اسلامی با خود داشته باشد تا کسی خلاف آن سخن گفته نتواند.

علمای سمرقند - که در میان آن‌ها «شیخ‌الاسلام علاءالدین محمد بن عبدالحمید اسمندی سمرقندی»<sup>۱</sup> نیز شامل بود - این تقاضایش را «اجابت کردند، و همه ائمه به خواجه امام نجم‌الدین [نسفی] رحمه الله اشارت کردند، تا وی بنوشت و ائمه در تصویب آن، خطوط خویش در آخر ثبت کردند»<sup>۲</sup>.

این حکایت ثابت می‌سازد که امام نجم‌الدین نسفی سرآمد روزگار خویش بود، و نزد علما و قضات شهر سمرقند مقام گرامی و والایی داشت، که همه او را در علم بر خویش مقدم می‌دانستند و بر نظریه و نوشتار وی اعتماد می‌کردند. از همین‌رو القابی چون «نجم‌الدین»، «زین الأئمه»، و «مفتی الفریقین» را در حیاتش به او داده بودند.

علامه سعدالدین تفتازانی هروی، او را «امام بلندهمت، پیشوای علمای اسلامی، و ستاره درخشان ملت و دین»<sup>۳</sup> می‌نامد، و ابوسعید سمعانی شافعی، وی را «امام فقیه فرهیخته، و دانا در دین و ادب»<sup>۴</sup> خوانده است. علامه لکنوی می‌گوید که او «مقبول عام و خاص» بود و در

<sup>۱</sup> علاءالدین اسمندی سمرقندی (متوفای ۵۵۲ هـ)، نویسنده کتاب «طریقه الخلاف فی الفقه بین الأئمة الأسلاف» می‌باشد که در سال ۲۰۰۷ میلادی توسط مکتبه دارالتراث و به تصحیح زکی عبدالبر به نشر رسیده است. او را نویسنده کتاب مشهوری دیگر به نام «مختلف الروایه» نیز می‌دانند. اسمندی همچنان بر «منظومة فی الخلافیات» امام نجم‌الدین نسفی شرحی نوشته است به نام «عون الدرایة والمختلف فی شرح منظومة النسفی».

<sup>۲</sup> نسخه خطی شماره ۱۱-۱۳۶۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران. برگه ۶۶.

<sup>۳</sup> «شرح العقائد النسفیة للعلامة سعدالدین التفتازانی»، به تصحیح احمد حجازی السقا، مکتبه کلیات الأزهریه، القاهرة: ۱۹۸۷ میلادی: «إمام الهمام، قدوة علماء الإسلام، نجم الملة والدين، عمر النسفی، أعلا الله درجته فی دار السلام».

<sup>۴</sup> «التحیر فی المعجم الكبير»، عبدالکریم السمعانی، به تصحیح منیره ناجی سالم، رئاسة دیوان الأوقاف، بغداد:

۱۹۷۵ م. (شماره مورد: ۵۱۴)

حفظ قرآن در میان ائمه مشهور بود.<sup>۱</sup> شمس‌الدین ذهبی او را «علامه» خوانده می‌گوید که «او در فنون مختلف وارد بود، و در حدیث، تفسیر، و علم شروط [در فقه] تألیفاتی دارد. تعداد تصنیفاتش به صد اثر می‌رسد».<sup>۲</sup>

امام مرغینانی، شاگرد وی و نویسنده اثر گرانبهای «الهدایه» در فقه، او را «امام الأئمه و مقتدای امت» می‌نامد.<sup>۳</sup> امام ابن عابدین دمشقی، نویسنده اثر شاهکار فقه حنفی «رد المختار» یا «حاشیه ابن عابدین» (که امروز کتاب فقهی «مرجع» برای علمای حنفی مذهب در سراسر جهان می‌باشد)، امام نجم‌الدین نسفی را «مفتی انس و جن، و سرآمد اولیای عصرش» می‌داند.<sup>۴</sup>

### ایراد ابوسعده سمعانی بر امام نسفی، و توضیحاتی در مورد آن:

در کتاب «التحییر فی المعجم الکبیر»، ابوسعده سمعانی شافعی در شرح حال امام نجم‌الدین نسفی حنفی این چنین می‌نویسد:

«... امام فقیه فرهیخته، و دانا در دین و ادب، کتاب‌هایی در فقه و حدیث تألیف کرده و «الجامع الصغیر» [محمد شیبانی] را به شکل منظوم درآورده است. من مجموعات او را در حدیث زیاد مطالعه کردم و در آن تفحص نمودم، و در آن اشتباه و تغییر نام‌ها و حذف بعضی چیزها به کثرت وجود داشت، و اوهام در آن کم نبود. ولیکن از توانایی بلندی در جمع کردن و تصنیف احادیث برخوردار بود.

از ابومحمد اسماعیل بن محمد نوحی نسفی و ابوالیسر محمد بن محمد بن الحسین بزدوی و از گروه زیادی [از محدثین] سمع حدیث نموده بود. در نوشتن همه مسموعات و مجموعات خود اجازه داشت.

<sup>۱</sup> «الفوائد البهية في تراجم الحنفية»، علامه عبدالحی لکنوی، به تصحیح محمد بدرالدین نعاسی، دارالکتاب الإسلامی، قاهره: ۱۳۲۴ هـ (جزء ۱، صفحه ۱۴۹).

<sup>۲</sup> «سیر أعلام النبلاء»، شمس‌الدین ذهبی، دارالحدیث، قاهره: ۲۰۰۶ م. (شماره مورد: ۴۸۷۵)

<sup>۳</sup> «كشف الأسرار شرح أصول البزدوی»، علاءالدین بخاری، دارالکتاب الإسلامی (جزء ۱، صفحه ۴).

<sup>۴</sup> «رد المختار علی الدر المختار»، ابن عابدین دمشقی، دار الفکر، بیروت: ۱۹۹۲ م (جلد ۴، صفحه ۲۶۰).

و [زمانی که] به سمرقند [رفتم]، حیات [نبود و] دیده نتوانستمش. و گروهی [از علما] از او به من یاد کردند، و از کثرت تصنیفاتش در میان این گروه سخن گفتیم، و ذکرش در بین مردم گسترده بود. ولی اسنادش [در احادیث] عالی نبود، و از جمله کسانی بود که حدیث و طلب کردن حدیث را دوست داشت، ولی فهم احادیث برایش میسر نبود...»<sup>۱</sup>

ابوسعبد سمعانی از جمله اولین تذکره‌نویسان بود که سوانح و شرح حال امام نجم‌الدین نسفی را بشکل مختصر در مُعْجَم خود گنجانید. پس از وی، متباقی همه تذکره‌نویسان بر همین معلومات سمعانی اتکار ورزیدند. بجز چند تذکره‌نویسان معدود، دیگران معلومات بیشتری و تازه‌ای در مورد امام نسفی نیفزودند.

چون بعضی ازین تذکره‌نویسان بر همین قضاوت ابوسعبد سمعانی اعتماد نموده اند و سخنان او را در تذکره‌ها و طبقات خود بازتاب داده اند، ایجاب می‌کند که به این مسئله پرداخته شود.

من فکر می‌کنم که ابوسعبد سمعانی در قضاوت خود نتوانسته است که کاملاً عادلانه و بی‌طرفانه عمل کند. چند عامل می‌تواند در این قضاوت او تأثیرگذار باشد.

نخست اینکه رقابت ناسالم و تنش میان علمای حنفی و شافعی را در خراسان و ماوراءالنهر در قرن پنجم هجری نباید نادیده بگیریم. در بخش اول این رساله، شرایط عصر سلجوقیان را توضیح دادیم، و تشنجه‌ها و کشیدگی‌ها و کینه‌توزی‌ها میان حنفی‌ها و شافعی‌ها را در مقابل هم‌دیگر شرح نمودیم. این نقد و ایراد ابوسعبد سمعانی را هم نباید مجزا ازین شرایط ببنداریم. افزون بر آن، پدرکلان ابوسعبد سمعانی، یعنی ابوالمظفر منصور سمعانی، حین سفرش به بغداد با ابو اسحاق شیرازی به مناظره پرداخته بود، و در نتیجه پس از آنکه به حجاز می‌رسد از مذهب حنفی به مذهب شافعی می‌گراید، و بعداً در رد ابوزید دبوسی، عالم اصولی

<sup>۱</sup> «التحییر فی المعجم الکبیر»، عبدالکریم السمعانی، به تصحیح منیره ناجی سالم، رئاسة دیوان الأوقاف، بغداد:

۱۹۷۵ م. (جلد اول، صفحه ۵۲۸)

برجسته حنفی، کتابی می‌نویسد.<sup>۱</sup> گرائیدنش به مذهب شافعی، خشم حنفی‌مذهبان را در نیشاپور و مرو به دنبال داشت. پس کینه میان علمای حنفی و خاندان سمعانی پیشینه دیرینه دارد.

دوم، سمعانی در حالی می‌گوید که ابوحفص نسفی را «فهم احادیث میسر نبود»، که او وی را شخصاً ندیده است. چنین قضاوتی تنها بر بنیاد چندتا کتابی که سمعانی از وی دیده است توجیه‌پذیر نیست. و مهم‌تر اینکه سمعانی تنها از تصنیفاتش در فقه و حدیث سخن می‌گوید و تنها از منظومه (الجامع الصغیر) او یاد می‌کند، درحالی‌که از تألیفاتش در تفسیر (از دو تفسیر بزرگ او به زبان عربی و تفسیر و ترجمه‌اش به فارسی) هیچ سخنی نمی‌گوید و هیچ یادآوری از منظومه مشهورتر او در «خلافيات» نمی‌کند. ازین به نظر می‌رسد که سمعانی نه تنها که همه آثار و کتاب‌های ابوحفص نسفی را ندیده است بلکه از آن‌ها اطلاعی هم نداشته است. پس چگونه می‌تواند چنین قضاوت معتبر باشد درحالی‌که سمعانی بیشتر آثار او را مطالعه نکرده تا بتواند ظرفیت و توانایی فهم ابوحفص نسفی را در حدیث ارزیابی کند؟!

سوم، علامه شمس‌الدین ذهبی که در علم رجال و اسناد حدیث وارد است، زمانی‌که سوانح ابوحفص نسفی را از کتاب «التحییر» سمعانی در کتاب خودش «سیر أعلام النبلاء» نقل می‌کند، همه معلومات سمعانی را یک به یک نقل قول می‌کند، به جز این قضاوتش در مورد اوهام در کتاب‌های نسفی و عدم فهم او در علم حدیث. ماهر ادیب حبّوش، مصحح «التیسیر فی التفسیر»، نیز در مقدمه‌اش به همین مسئله اشاره دارد و می‌نویسد: «همگی از معاصرین [ابوحفص نسفی] و از کسانی که پس از او آمده اند وی را ستوده اند، و بجز سمعانی هیچ کسی دیگر در مورد او هیچ‌گونه ایرادی نداشته است».<sup>۲</sup>

چهارم، این چنین خرده‌گیری‌ها بر مفسرین، متکلمین، و مجتهدین از بابت کوتاهی‌های شان در علم حدیث، خیلی معمول است. امام اعظم ابوحنیفه مورد طعن رقیبان خود قرار داشت

<sup>۱</sup> «الأنساب»، ابوسعید عبدالکریم سمعانی، به تصحیح عبدالرحمن معلمی یمانی، قاهره: ۱۹۸۰ م (جلد ۷، صفحه

۱۳۸ و ۱۳۹)

<sup>۲</sup> «التیسیر فی التفسیر»، مقدمه مصحح، صفحه ۱۳.



که گویا حدیث و علم حدیث نمی‌داند، درحالی‌که احادیثی از ۷۴ تن از استادان و شیوخ ابوحنیفه در صحاح سته یا کتب صحیح شش‌گانه حدیث روایت شده است. هم‌چنان بر حجة الإسلام ابوحامد غزالی تاخته‌اند که در علم حدیث وارد نبود و احادیث ضعیفی را در احیاء علوم‌الدین خود جمع کرده است. گذشته از آن، همین‌گونه اعتراضات بر مفسرین بزرگی دیگر چون امام ابو اسحاق ثعلبی، ابوالحسن واحدی، ابوالقاسم زمخشری، و قاضی ناصرالدین بیضاوی، که گویا در علم حدیث وارد نبودند، متوجه بوده است.

### ۵. شاگردان امام نسفی

در منابع اولیه (تذکره‌ها و طبقات)، تعداد زیادی از شخصیت‌های قرن ششم هجری را گفته‌اند که از امام ابوحفص نسفی علم آموخته‌اند یا از وی سمع حدیث نموده‌اند. اما معروف‌ترین آن‌ها قرار ذیل‌اند:

#### برهان‌الدین علی بن ابوبکر رشتانی فرغانی مرغینانی (۵۱۱ - ۵۹۳ هـ):

فقیه و محدث مشهور مذهب حنفی است. نزد علمای ماوراءالنهر علم آموخت، که مشهورترین و برجسته‌ترین آنها امام نجم‌الدین ابوحفص نسفی بود. او نزد پسر امام نجم‌الدین، ابواللیث احمد بن عمر نسفی، نیز علم فرا گرفته است.

متن فارسی عقائد نسفی که امروز به دسترس ما قرار دارد به روایت برهان‌الدین مرغینانی است. او حکایت می‌کند که امام نجم‌الدین نسفی این متن را در پاسخ به تقاضای سلطان سنجر سلجوقی در سال ۵۳۵ هـ نوشت، و برهان‌الدین مرغینانی آن متن را از زیر نظر او گذرانده و نزدش تصحیح کرده است.<sup>۱</sup>

برهان‌الدین مرغینانی آثار زیادی در فقه و حدیث تألیف کرده، اما او را بیشتر از بابت کتاب «الهدایة» او می‌شناسند. این کتاب شرحی است بر یکی از کتاب‌های خودش به نام «

<sup>۱</sup> بنگرید به بخش «۶. آثار و تألیفاتش»

بداية المبتدئ» که بر کتاب‌های «المختصر» امام ابوالحسن قدوری و «الجامع الصغير» امام محمد شیبانی نوشته بود.

بنابر منظم بودن بحث‌ها در این کتاب، «الهدایه» در مدت کوتاهی به یکی از پرمطالعه‌ترین کتب فقهی حنفی مبدل گشت، بر همین اساس، «الهدایه» را هم طراز کتاب‌هایی چون «بداية المجتهد» ابن رشد در مذهب مالکی و «الوجیز» حجة الاسلام امام غزالی در مذهب شافعی می‌دانند.<sup>۱</sup>

علامه لکنوی او را امام و پیشوای زمانه‌اش می‌داند، و در رتبه چهارم مجتهدین - هم‌طراز امام قدوری - او را قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

بنابر خلص بودن و در عین زمان جامع بودن آن، «الهدایه» یکی از اولین کتاب‌های فقهی است که به زبان‌های خارجی ترجمه شده است. این کتاب برای نخستین بار در قرن ۱۸ میلادی از عربی به فارسی، و سپس از فارسی به انگلیسی در هند بریتانوی ترجمه گردید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> بنگرید به مقدمه خالد عبدالرحمن العک، در «طلبه الطلبة فی الإصطلاحات الفقهیه»، ابوحفص نسفی، نشر دارالفنانش، بیروت: ۱۹۹۵ م. (صفحه ۱۱)

<sup>۲</sup> مقدمه عمران احسن خان نیازی، ترجمه «الهدایه» امام مرغینانی، اسلام آباد: ۲۰۱۶ (صفحه ۹).

<sup>۳</sup> در قرن ۱۸ میلادی، انگلیس‌ها - که علاقمند آشنایی با قوانین و فقه اسلامی بودند - کتاب «الهدایه» را بنابر جامع بودن و خلص بودن آن بهترین گزینه برای ترجمه کردن به زبان انگلیسی یافتند. در سال ۱۷۹۱، کمپنی هند شرقی این کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه نمود، و جهت جلت حمایت و طرفداری شاهی بنگال - که مسلمان بودند - به شاه بنگال تقدیم کرد. مستشرق مشهور انگلیس، چارلز هملتون که در رأس این کار علمی گماشته شده بود، نخست کتاب «الهدایه» را توسط چند تن از علما و فقهای برجسته هند به زبان فارسی ترجمه کرد. سپس خودش این کتاب را از فارسی به انگلیسی در چهار جلد ترجمه نمود.

نسخه‌ای از ترجمه فارسی «الهدایه» در کتابخانه بریتانیا در لندن (به شماره ۱۳۹ از کلکسیون نسخه‌های فارسی دهلی) وجود دارد. این ترجمه در سال ۱۱۹۰ هـ (۱۷۷۶ م) در هند بریتانوی کتابت شده است. نام مترجمین قاضی القضاة غلام یحیی خان بهادری و محمد راشد بن ضیاء الدین بردواری درج شده است. چون تاریخ و محل کتابت این نسخه با معلوماتی که چارلز هملتون در مقدمه ترجمه انگلیسی اش داده مطابقت دارد، گمانم بر این است که این همان ترجمه فارسی‌ای باشد که چارلز هملتون از آن استفاده کرده است، اما شخصاً خودم نتوانسته‌ام که این نسخه را از نزدیک بنگرم و اگر مقدمه‌ای این دو مترجم بر آن نوشته باشند بخوانم.

## ابوهارون موسی بن عبدالله قحطانی مغربی:

اصل جایش از المغرب بود، و از آنجا به خراسان آمده بود. ابوحفص نسفی در «القند» می‌نویسد که او در سال ۵۱۶ هـ به دیدارش به سمرقند آمد، و چند مدتی نزد او به تعلیم پرداخت. حدود ۱۳ سال را در خراسان، بخارا و عراق گذراند، و به نشر حدیث، فقه و کلام می‌پرداخت.

## برهان‌الدین ابوعبدالله محمد بن حسن کاسانی سمرقندی (متوفای ۵۵۶ هـ):

عالم برجسته در فقه و اصول بود، و در حفظ حدیث سرآمد روزگارش بود. او نه تنها از امام ابوحفص نسفی، بلکه از استادش صدرالاسلام ابوالیسر بزدوی نیز علم آموخته است. او «التیسیر فی التفسیر» امام نسفی را نزدش خوانده بود، و از وی روایت می‌کرد. در سال ۵۵۶ هـ در بغداد حین سفرش به حج دیده شده بود.

او را نباید با علاءالدین ابوبکر کاسانی، نویسنده «بدائع الصنائع»، که بعداً به شام سفر کرد و در آنجا مقیم گردید، به اشتباه گرفت.

## ابوبکر بن احمد بلخی، مشهور به ظهیر (متوفای ۵۵۳ هـ):

عالم فرهیخته در علوم منقول و معقول بود. نزد امام نجم‌الدین نسفی و شاگردش امام مرغینانی علم آموخت، و سپس راهی دمشق شد و در آنجا در مدرسه خاتونیه تدریس می‌کرد. او کتابی در شرح «الجامع الصغیر» نوشته است. در سال ۵۵۳ هـ در دمشق وفات نمود.

ترجمه انگلیسی چارلز هملتون برای بار دوم در سال ۱۹۵۷ در لاهور به نشر رسید، و در این اواخر، توسط مطبعه دانشگاه کامبریج در انگلستان در سال ۲۰۱۳ در چهار جلد دوباره به نشر رسید.

ترجمه دقیق‌تر کتاب «الهدایه» توسط دانشمند پاکستانی، عمران احسن خان نبازی، مستقیماً از عربی به انگلیسی صورت گرفته است، و در سال ۲۰۰۶ میلادی در اسلام آباد به نشر رسید.

### ابوالعباس احمد بن موسی بن عیسی الکشی (متوفای ۵۵۰ هـ):

او از جمله شاگردان معروف نجم الدین نسفی بود، چنانکه نسفی کتب فتاوی و منابعی را که از فقهای گذشته در دست داشت به ابوالعباس کشی داده بود، و او را موظف ساخته بود تا آن‌ها را جمع‌بندی کند. در نتیجه، ابوالعباس کشی کتاب «مجموع الحوادث والنوازل والواقعات» را تألیف کرد و در آن از بسیاری منابعی که امروز در دسترس نیستند استفاده کرده است، بشمول فتاوی ابواللیث سمرقندی، فتاوی ابوحفص کبیر، فتاوی ابوبکر محمد بن فضل کماری بخاری، واقعات ناطقی، المنتقی (از حاکم شهید)، فتاوی شیخ الاسلام عطاء بن حمزه سغدی، غریب الروایه (از ابن ابوشجاع علوی)، و فتاوی خود نجم الدین نسفی. این کتاب را عبدالملک تویچی‌بایف در تیزس دکتورایش در دانشگاه انقره در سال ۲۰۲۱ تصحیح و نشر کرده است. به باورم، فتاوی نجم الدین نسفی از طریق همین کتاب ابوالعباس کشی حفظ گردیده است.

### ۶. آثار و تألیفاتش

تذکره‌نویسان شمار کتاب‌ها و آثار امام نسفی را حدود صد عنوان گزارش داده اند، که در بخش‌های مختلف علوم چون فقه، اصول، خلاقیات، حدیث، تفسیر، کلام، تاریخ، عرفان و ادب نوشته شده اند.

در زیر، فهرست قسمی از کتاب‌هایش ارائه می‌گردد که یا به چاپ رسیده اند ([ج])، یا نسخه‌های خطی آن در فهرست کتابخانه‌ها درج گردیده اند یا نویسنده نسخه‌ای از آن را دیده است [ن]، یا هم اینکه نام کتاب در حد اقل دو منبع اولیه (تذکره یا طبقات) ذکر گردیده است ولی نسخه‌ای از آن تا هنوز تثبیت نگردیده یا در دسترس نیست [ع].

## الف. در تفسیر و قرائت:

## ۱. «التیسیر فی التفسیر»: [ج]

تفسیری جامع به زبان عربی است، که در آن تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر ادبی، تفسیر ماثور و روایی، تفسیر به رأی، و تفسیر عرفانی را بگونه شهکاری باهم گرد آورده است.

از تفسیر ماتریدی، تفسیر ثعلبی، تفسیر قشیری، و تفسیر ابواللیث سمرقندی سود جسته است. این اثر بر مفسرین و فقهای حنفی در ماوراءالنهر و خراسان و بلاد سلجوقیان روم تأثیرگذار بود. تفاسیر بزرگ عهد عثمانیان چون «روح المعانی» از شهاب‌الدین آلوسی، «تفسیر ابن کمال پاشا» از شیخ الاسلام شمس‌الدین بغدادی، و «روح البیان» از اسماعیل حقی به وفرت از «التیسیر فی التفسیر» استفاده کرده‌اند، و در اکثر موارد بدون ذکر منبع نقل قول کرده‌اند. همچنان، مولانا حسین واعظ کاشفی در تألیف تفسیر فارسی خود به نام «مواهب علیه» (مشهور به تفسیر حسینی) از «التیسیر» استفاده فراوان نموده است، و بر علاوه نقل قول از تفسیر ثعلبی و تفسیر کبیر فخرالدین رازی، از «التیسیر» نیز با ذکر منبع نقل قول می‌کند. از جمله فقها، علاء‌الدین بخاری در «کشف الأسرار شرح أصول البزدوی» و ابن عابدین دمشقی در «رد المختار» یا حاشیه خود اشاراتی به این تفسیر دارند.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این تفسیر اینست که امام نجم‌الدین نسفی از نوشتن به فارسی و آوردن جملات و متن‌های فارسی در لابلای تفسیر عربی خود دریغ نورزیده است. (۱) در بسا از جاها، تفسیر طولانی یک آیت را در اخیر بحث به فارسی خلاصه نموده است، (۲) یا جهت تشریح بهتر مسائل به خوانندگان فارسی‌زبان توضیحات خود را دوباره به فارسی بیان داشته است، (۳) یا جهت ترجمه درست آیات یا تأکید بر ترجمه درست بعضی از کلمات و الفاظ عربی ترجمه فارسی آن را بیان نموده، (۴) یا سخنان فارسی بعضی از عرفا را، که عبارات لطیف و معانی باریک در خود دارند، بدون ترجمه به عربی نقل قول کرده است، یا هم (۵) پس از تفسیر علمی یک مسئله، آن را به شکل مناجات به فارسی دوباره بیان می‌کند تا در دل خواننده اثر ایجاد کند.

امام نسفی «التیسیر فی التفسیر» را طی دو سال نوشت، و در سال ۵۲۳ هـ آن را به پایان رساند.

اخیراً این اثر در ۱۵ جلد توسط انتشارات «داراللباب» در بیروت (در سال ۲۰۱۹ م) به کوشش گروهی از مصححین به سرکردگی «ماهر ادیب حبّوش» به چاپ رسیده است. برعلاوه ترجمه به زبان فارسی (که اینک در این اثر ارائه می‌گردد)، این تفسیر به زبان ترکی نیز ترجمه گردیده است.<sup>۱</sup>

### ۲. «الأکمل الأطول فی تفسیر القرآن»: [ن: ناتکمیل]

تفسیر بزرگتری است که نجم‌الدین نسفی آن را قبل از «التیسیر» نوشته بود، زیرا در چند جا در «التیسیر» خوانندگان را به این تفسیر راجع می‌سازد، و در بعضی جاها آن را به نام «بحر علوم التفسیر علی نحو رسوم التذکیر» می‌نامد.

نسخه‌هایی از این تفسیر در بعضی کتابخانه‌ها وجود دارد. اما این که این نسخه‌ها کامل اند یا خیر، معلومات دقیق در دست نیست.

### ۳. «تفسیر نسفی» (به فارسی): [چ]

ترجمه تفسیری قرآن است به فارسی مسجع و موزون. این اثر از جمله نخستین ترجمه‌های قرآن مجید به زبان فارسی به‌شمار می‌رود، و یگانه ترجمه مسجع کامل قرآن مجید نه تنها در زبان فارسی، بلکه شاید یگانه ترجمه مسجع به زبانی غیر از زبانی عربی در جهان باشد.

نجم‌الدین نسفی با توانایی و مهارتی که در ادب و نظم داشت، توانسته است ترجمه قرآن مجید را بدون اینکه مفاهیمی از آیات قرآن کم و زیاد گردند یا معنای آیات تغییر بخورند، به نثر مسجع و روان بنویسد. اسجاع و موزونی جملات، توأم با زبان شیرین و کهن فارسی،

<sup>۱</sup> تا هنوز یک جلد از ترجمه ترکی (در سال ۲۰۱۹) به نشر رسیده است.

بر خوانندگانی که عربی نمی‌دانند اعجاز کلام، عمق معانی، و زیبایی بیان قرآن عظیم الشان را نمایان می‌سازد، و اثر و تأثیر کلام ربانی و گفتار الهی را بر قلب و دل خواننده بجا می‌گذارد.

تفسیر نسفی را میتوان بعد از ترجمه تفسیر طبری (که میان سالهای ۳۵۰ و ۳۶۵ هـ در زمان حکمرانی سامانیان به فارسی ترجمه شد) و «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم» اثر امام ابوالمظفر شاهفور اسفراینی (متوفای سال ۴۷۱ هـ)، سومین ترجمه یا تفسیر کامل قرآن مجید به زبان پارسی دری دانست. تفسیر نسفی حتی بر تفسیر «کشف الأسرار و عدة الأبرار» شیخ میبدی (که در سال ۵۲۰ هـ تألیف شده) و بر تفسیر «بصائر یمینی» معین‌الدین ابوعلاء نیشاپوری غزنوی (متوفای سال ۵۹۹ هـ) قدامت دارد.

تفسیر نسفی تأثیر فراوانی بر ترجمه‌های فارسی بعد از خود داشت، و شواهد می‌رسانند که این تفسیر نه تنها در ماوراءالنهر بلکه در سائر شهرهای خراسان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. طور مثال، در ترجمه فارسی کتاب «جواهر القرآن» امام محمد غزالی، که توسط شخص گمنامی شاید یکی دو سده پس از غزالی و نسفی ترجمه شده باشد، دیده می‌شود که مترجم از تفسیر نسفی برای ترجمه آیات قرآن مندرجه در کتاب استفاده فراوان نموده است. این امر باعث شد که روان‌شاد حسین خدیو جم، که این اثر را گردآوری و تصحیح نمود، به این گمانه‌زنی برسد که گویا این نجم‌الدین نسفی بوده که کتاب جواهر القرآن غزالی را ترجمه کرده است. ولی امروز با معلومات بیشتری که در مورد شخصیت و جایگاه امام نسفی داریم و با متن‌های فارسی بیشتری که از وی بدست ما رسیده است، این فرضیه آقای خدیو جم نادرست ثابت می‌شود. بلکه واقعیت امر همین است که تفسیر نسفی از شهرت خوبی در سراسر خراسان طی چند قرن برخوردار بود، که مترجم جواهر القرآن از آن در ترجمه کتاب استفاده کرده است.

یکی از نسخه‌های خطی این اثر، که در کتابخانه عاطف افندی ترکیه نگهداری می‌شود، در سال ۸۹۰ هـ در مدرسه اخلاصیه شهر هرات توسط شخصی به نام یارعلی تبریزی کتابت شده است. این نکته حائز اهمیت بسزایی است، زیرا نشان می‌دهد که تفسیر نسفی حتی سه صد سال پس از امام نجم‌الدین نسفی، در شهری که زمانی حنابله و کرامیه نفوذ داشتند و با

هرگونه ترجمه‌ای که عرش و ید و وجه خدا را تأویل کند مخالفت می‌ورزیدند،<sup>۱</sup> از شهرت و اعتبار برخوردار بوده است.

این اثر به کوشش دکتر عزیز الله جوینی نخستین بار در سال ۱۳۵۳، و پس از آن برای چهارمین بار در سال ۱۳۹۰ در تهران به چاپ رسیده است.

#### ۴. «رساله فی الخطأ فی قرائة القرآن» یا «زلة القارئ»: [ج]

در این کتاب، امام نسفی خطاها و اشتباهات معمول در قرائت را شرح می‌دهد، و سپس به شرح خطاهایی که نماز را فاسد نمی‌سازند می‌پردازد.

امام نسفی در این کتاب توضیح می‌دهد که بی‌جا شدن آیت‌ها، یا زیادت و حذف در حروف، یا تغییر در اعراب، یا بی‌جا شدن وقف و ابتداء در آیت‌ها نماز را تا زمانی فاسد نمی‌سازند که معنای آیت با آن تغییر نیابد.<sup>۲</sup>

نظر به این اصل، اگر حروف اضافی «ف» و «واو» در تلاوت زیاد یا کم گردند، در صورتی که تغییری در معنای آیت وارد نشود، به نماز نقصانی نمی‌رساند. ولی اگر معنای آیت تغییر یابد، مثلاً در آیاتی که «واو» به معنای سوگند خوردن است، در آنصورت نماز فاسد می‌گردد. یا مثلاً اضافه نمودن «الکریم» پس از «الرحمن الرحیم» در تسمیه، مشکلی ندارد چون خلاف منظور تسمیه نیست. یاهم قرائت نمودن آیاتی از دو سوره متفاوت، تا زمانی که هدف و معنا را تغییر ندهند، جواز دارد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> یکی از مشخصات تفسیر نسفی اینست که موارد قابل تأویل (همچون عرش، ید، و وجه) را تحت‌اللفظی ترجمه نکرده بلکه آن را تفسیر و تأویل می‌کند. چنین روش با مزاج حنابله و کرامیه آن زمان به هیچ وجه برابر نمی‌آید.

<sup>۲</sup> این نظریه تازه در مذهب حنفی در آن زمان نبود. قبل از امام ابوحفص نسفی، امام ابوليث سمرقندی (متوفای ۳۹۶ هـ) در «نوازل الفتاوی» در مورد خطاهای لفظی در قرائت که نماز را فاسد نمی‌سازند پرداخته است.

<sup>۳</sup> اساس این نظریه در مذهب حنفی، حدیثی است که در مسند احمد (۲۱۱۴۹)، سنن کبری نسائی (۷۹۸۶)، و سنن ابوداود (۱۴۷۷) ذکر شده، و در مسند احمد (۲۰۴۲۵) به شکل متفاوت‌تری آمده است، که ابن مسعود و ابی بن کعب در مورد قرائت یک آیت اختلاف نظر داشتند، و چون نزد رسول الله ﷺ رفتند، ایشان فرمود که



این رساله دو بار به نشر رسیده است. بار اول توسط دکتور فرمان إسماعیل إبراهيم الدلیمی در قالب مقاله تحقیقی در «مجله العلوم الإسلامیه» در سال ۲۰۱۱ (۱۴۳۲ هـ ق) به نشر رسید. بار دوم به تصحیح دکتور عمر حمدان توسط نشرات «دار عمار» در عمان در سال ۲۰۱۷ به نشر رسید. نسخه‌های خطی متعدد این اثر در کتابخانه‌های مختلف نیز وجود دارد.

علامه ابن طولون دمشقی حنفی (متوفای ۹۵۳ هـ) بر این اثر شرحی نوشته است بنام «الطارئ علی زله القارئ» که در سال ۲۰۱۸ م به تصحیح دکتور حمدان در نشرات «دار ابن حزم» به نشر رسیده است.

نام این اثر در هیچ یک از فهرست اعلام نیامده است، نه کاتب چلبی آن را در کشف الظنون گنجانیده، و نه ابن کمال پاشا از آن در «هدیه العارفین» ذکر کرده، در حالی که موجودیت نسخه‌های متعدد این اثر در کشورهای مختلف و یادآوری نام نجم‌الدین ابوحفص عمر نسفی درین نسخه‌ها هیچ‌گونه تردیدی را در نسبت این اثر به امام نسفی بجا نمی‌گذارد.

کوتاه بودن این رساله و نیز مرتبط بودن آن با مسائل فقهی (یعنی شرایط فاسد سازی نماز) این گمان را بوجود می‌آورد که ممکن است که این اثر فصلی از اثر فقهی بزرگتر امام نسفی - چون «الخصائل فی الفروع» که کاتب چلبی در مورد آن نوشته است «هو کتاب کبیر» (این کتاب بزرگی است) - باشد که بعضی‌ها آنرا بشکل رساله جداگانه بیرون‌نویس کرده اند.

---

قرآن به «هفت آحرف» نازل گردیده، اگر «غَفُوراً رَحِیماً» را «سَمِیعاً عَلِیماً» یا «عَلِیماً سَمِیعاً» بگویند، درست اند، ولی نباید در قرائت «آیت رحمت آیت عذاب گردد، یا آیت عذاب آیت رحمت گردد».

بر همین اساس بود که زمانی که ابن مسعود آیت ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقْمِ طَعَامُ الْإِیْمِ﴾ [الدخان: ۴۳-۴۴] را به یک طفل عجمی (فارسی‌زبان) می‌آموخت، طفل نمی‌توانست درست تلفظ کند و گفته می‌رفت که «طعام الیتیم». پس ابن مسعود برایش گفت که: «بگو: طعام الفاجر».

این حکایت را امام ابویوسف در «کتاب الآثار» (شماره حدیث: ۲۲۳) درج نموده است، و امام قدوری در کتاب «التجرید فی الخلافات» (۲۲۰۲) بدان اشاره می‌کند.

## ب. در علم کلام:

### ۵. «العقائد النسفيه» یا «عقائد النسفی» (به عربی): [چ]

این اثر یکی از کتاب‌های مرجع در اعتقاد اهل سنت و جماعت به شمار می‌رود. در پهلوی «فقه اکبر» امام اعظم ابوحنیفه و «عقیده الطحاویه» امام ابوجعفر طحاوی، «عقائد نسفی» مهم‌ترین اثر در بیان عقیده اهل سنت و جماعت است.

تا قرن ۱۷ میلادی، بیش از ۵۰ شرح و حاشیه بر این اثر نوشته شده بود، چنانکه کاتب چلبی فهرستی از آن‌ها را در «کشف الظنون» داده است. در این سه صد سال اخیر، حد اقل بیش از ده شرح و حاشیه دیگر بر آن نوشته شده است. با آنکه گرایش کلامی عقائد نسفی بیشتر بسوی کلام ماتریدی است، اما شارحان و حاشیه‌نویسان آن نه تنها که حنفی‌ها و ماتریدی‌ها بوده بلکه شافعی‌ها و مالکی‌ها و اشعری‌ها را نیز دربر دارد.

مشهورترین شرح بر عقائد نسفی، شرح علامه سعدالدین تفتازانی هروی (۷۲۲-۷۹۲ هـ) است، درحالی‌که خودش شافعی‌مذهب و پیرو کلام اشعری بود. بر شرح تفتازانی ده‌ها حاشیه و شرح دیگر نوشته شده است. از جمله مشهورترین حواشی بر شرح تفتازانی، حاشیه شمس‌الدین احمد خیالی رومی حنفی (متوفای ۸۷۰ هـ) بنام «حاشیه خیالی»، و حاشیه شیخ الاسلام زکریا انصاری مصری (متوفای ۹۲۶ هـ) می‌باشند. از جمله شروح بر شرح تفتازانی، شرح رمضان أفندی (متوفای ۱۰۱۷ هـ) مشهور است. از جمله علمای هند، عبدالحکیم سیالکوتی (متوفای ۱۰۶۷ هـ) و شاه عبدالعزیز دهلوی (متوفای ۱۲۳۹ هـ) نیز بر شرح تفتازانی حاشیه‌نویسی نموده‌اند. همچنان، جلال‌الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ هـ) و ملا علی قاری هروی مکی (متوفای ۱۰۱۴ هـ) احادیث شرح تفتازانی را تخریج کرده‌اند و کتاب‌های شان بنام «تخریج احادیث شرح العقائد النسفيه» به نشر رسیده‌اند.

شرح عقائد النسفی تفتازانی بارها بگونه مستقل و یا هم با حاشیه‌های مختلف در دهه‌های اخیر به چاپ رسیده است. حاشیه‌های مشهوری را که در بالا ذکر کردیم، هم بشکل جزوی از مجموعه‌های چندجلدی شروح و حواشی بر شرح تفتازانی، و هم بشکل آثار جداگانه

به نشر رسیده اند. همچنان، شرح عقائد تفتازانی چندین بار به فارسی ترجمه گردیده و نشر شده است.<sup>۱</sup>

در تمامی منابع اولیه (تذکره‌ها و طبقات)، این اثر به نام امام نجم‌الدین ابوحفص عمر نسفی درج گردیده است. اما یک تعداد اندکی از حاشیه‌نویسان در نسبت این اثر به امام ابوحفص نسفی تردید ورزیده اند. بعضی‌ها آن را به امام ابوالمعین میمون نسفی نسبت داده اند، زیرا عقائد نسفی کاملاً از ساختار مباحث «تبصرة الأدله» نوشته ابوالمعین نسفی پیروی می‌کند، به حدی که می‌توان گفت که عقائد نسفی خلاصه آن کتاب باشد. ولی چنانکه در بخش سوم این رساله («استادان و شیوخ او») ذکر کردیم، طبیعی است که ابوحفص نسفی از ابوالمعین نسفی سخت متأثر بوده باشد، زیرا نزد او به شاگردی نشسته است. کاتب چلبی با آنکه همین مشابهت میان عقائد نسفی و تبصرة الأدله را می‌دانست، باز هم در نسبت دادن عقائد نسفی به ابوحفص نسفی تردیدی نداشته است.

بعضی دیگر این اثر را به شخصی به نام ابوالفضل محمد بن محمد نسفی معروف به برهان (متوفای ۶۸۷ هـ) – که نسبتاً ناشناخته است با آنکه او را صاحب آثاری خوانده‌اند – می‌دانند. درحالی که امام تفتازانی هروی که که تنها دوصد سال پس از ابوحفص نسفی و تنها یک قرن پس ازین ابوالفضل نسفی نامبرده می‌زیسته است، در نسبت این اثر به ابوحفص نسفی تردیدی نداشت، و در شرح خود به صراحت می‌نویسد که: «این کتاب مختصری که به [نام] عقائد نامیده می‌شود، اثری است از امام بلندهمت، پیشوای علمای اسلامی، نجم المله والدین عمر نسفی».

به هر حال، کسانی که به نسبت این اثر به نجم‌الدین ابوحفص نسفی تردید نموده‌اند از غرب جهان اسلام بودند و چندین قرن بعد این مسئله را طرح کردند. و این‌ها از موجودیت ترجمه فارسی این اثر که توسط برهان‌الدین مرغینانی، شاگرد امام نسفی، روایت شده است اطلاعی نداشتند.

<sup>۱</sup> یکی از ترجمه‌های این کتاب توسط آقای احمد امینی صورت گرفته که با عنوان «دیدگاه کلامی اهل سنت:

ترجمه شرح عقاید تفتازانی و نسفی»، توسط انتشارات امام ربانی، در سال ۱۳۸۸ در ایران به نشر رسیده است.

برهان‌الدین مرغینانی حکایت می‌کند که امام نجم‌الدین نسفی متن «عقائد نسفی» را در پاسخ به تقاضای سلطان سنجر سلجوقی در سال ۵۳۵ هـ نوشت، و همه علمای سمرقند در زیر آن تصدیق نمودند. بر اساس این معلومات، «عقائد نسفی» در پایان عمر او – یعنی دو سال قبل از وفاتش – نوشته شده است.

## ۶. «بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت» (به فارسی): [ج]

این کتاب متن فارسی «عقائد نسفی» است، که توسط شاگرد ممتاز امام نجم‌الدین نسفی، یعنی برهان‌الدین علی بن ابوبکر رُشتانی مرغینانی، روایت شده است.

برهان‌الدین مرغینانی می‌نویسد که در سال ۵۳۵ هـ سلطان سنجر سلجوقی به سمرقند رفته بود، و حاکم ولایت سیستان، امیر ابوالفضل، نیز او را همراهی می‌کرد. در مجلسی که سلطان سنجر با علما، قضات و شیوخ شهر سمرقند داشت، امیر سیستان از «ائمه» و علمای سمرقند درخواست کرد تا رساله‌ای در بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت بنویسند، و در اخیر آن همه امضاء کنند، تا آن را با خود به سیستان بَرَد و هرکه در آنجا خلاف آن سخن گوید، مجازاتش کند. علمای سمرقند این تقاضایش را «اجابت کردند، و همه ائمه به خواجه امام نجم‌الدین [نسفی] رحمه الله اشارت کردند، تا وی بنوشت و ائمه در تصویب آن، خطوط خویش در آخر ثبت کردند.»<sup>۱</sup>

شاید دلیل این که حاکم سیستان چنین رساله‌ای یا دستخطی از علمای سمرقند طلب کرده این بوده باشد که در آن زمان حنابله و کرامیه در سیستان نفوذ پیدا نموده بودند، و امیر می‌خواست تا فتوایی از علمای متبحر اسلامی در دست داشته باشد تا کسی خلاف آن سخن گفته نتواند.

برهان‌الدین مرغینانی اسم یازده تن از علمایی را که در زیر آن امضاء و تصدیق کردند نقل می‌کند، که در آن جمله اسم «شیخ الاسلام علاءالدین محمد بن عبدالحمید اسمندی

<sup>۱</sup> نسخه خطی شماره ۱۳۶۱۳-۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران. برگه ۶۶.

سمرقندی<sup>۱</sup> نیز شامل است. و سپس می‌نویسد: «و این بنده ضعیف این نسخه را به غنیمت داشت، و بر مُصنّف - و همان خواجه امام نجم‌الدین است - برخواند و تصحیح کرد.»

نسخه این رساله در سال ۷۹۵ هـ به دست محمد حافظ بخاری، مشهور به «خواجه پارسا»<sup>۲</sup>، کتابت شده است. این نسخه که شکل یک دفترچه را دارد حاوی چهار متن یا رساله است، که رساله دوم آن همین عقائد نسفی، و رساله چهارم آن رساله‌ای از حکیم ابوالقاسم اسحاق سمرقندی حنفی، یکی از شاگردان امام ابومنصور ماتریدی، می‌باشد.<sup>۳</sup>

این نسخه در سال ۱۳۳۰ خورشیدی توسط فکری سلجوقی<sup>۴</sup> در هرات پیدا و تثبیت گردید<sup>۵</sup> و حالا در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران موجود است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> علاء‌الدین اسمندی سمرقندی (متوفای ۵۵۲ هـ)، نویسنده کتاب «طریقه الخلاف فی الفقه بین الأئمة الأسلاف» می‌باشد که در سال ۲۰۰۷ میلادی توسط مکتبه دارالتراث و به تصحیح زکی عبدالبر به نشر رسیده است. او را نویسنده کتاب مشهوری دیگر به نام «مختلف الروایه» نیز می‌دانند. اسمندی همچنان بر «منظومه فی الخلافیات» امام نجم‌الدین نسفی شرحی نوشته است به نام «عون الدرایة والمختلف فی شرح منظومة النسفی».

<sup>۲</sup> خواجه پارسا یکی از اصحاب مشهور و سپس جانشین «خواجه بهاء‌الدین نقشبند» بود. خواجه پارسا در بخارا زاده شده بود و در حین سفرش به حج در سال ۸۲۲ هـ در مدینه وفات کرد. پسرش «خواجه ابونصر پارسا» نام دارد که در بلخ سکونت گزید و در همانجا در سال ۸۶۵ هـ درگذشت. امروز مزار خواجه پارسای ولی در شهر بلخ افغانستان مربوط به ابونصر پسر خواجه پارسا است.

<sup>۳</sup> نام خواجه محمد پارسا و تاریخ کتابت آن در اخیر رساله چهارم آمده است، ولی تمامی هرچهار رساله به عین دستخط می‌باشند. پس کتابت متن عقائد نسفی نیز در سال ۷۹۵ هـ توسط خواجه محمد پارسا صورت گرفته است.

<sup>۴</sup> عبدالرؤف فکری سلجوقی از دانشمندان، نویسندگان و شاعران هرات افغانستان بود که با علامه صلاح‌الدین سلجوقی هروی رابطه عموزادگی داشت. فکری سلجوقی در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در کابل وفات نمود.

<sup>۵</sup> این نسخه را آقای فکری سلجوقی به آقای مهدی بیانی، بنیانگذار و رئیس کتابخانه ملی ایران، در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بخشید. رجوع کنید به:

«یک نمونه نشر فارسی از دوره رودکی یا قدیمی‌ترین نشر فارسی موجود»، دکتر مهدی بیانی، مجله دانشکده ادبیات، شماره سوم و چهارم، ۱۳۳۸ هـ ش.

<sup>۶</sup> نسخه خطی شماره ۱۳۶۱۳-۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران. برگه ۶۶.

موجودیت رساله فارسی «عقائد النسفی» برای اولین بار توسط آقایان محمد خوانساری و آلبرت ناپلئون کمپانیونی در مقاله‌ای - با نشر متن کامل این رساله - در سال ۱۳۳۵ هـ ش گزارش داده شد.<sup>۱</sup> اما آنچه که ایشان متوجه نگردیدند این است که روایت کننده این متن که نام خود را «علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الرشدانی»<sup>۲</sup> می‌نویسد، همان شاگرد معروف امام نسفی است که بیشتر به نسب‌های «فرغانی» و «مرغینانی» مشهور است..

اسم کامل برهان‌الدین مرغینانی «علی بن ابوبکر بن عبدالجلیل» است.<sup>۳</sup> او را فرغانی و مرغینانی خوانده‌اند چون مرغینان شهری در ولایت یا سرزمین فرغانه ترکستان بود. و «رشدان» یا «رشتان» روستایی در فرغانه بود<sup>۴</sup> و بایست که این روستای «رشتان» در جوار مرغینان بوده باشد. با آنکه او را بیشتر با انساب فرغانی و مرغینانی می‌شناسند، در بعضی منابع «رشتانی» نیز نامیده شده است.<sup>۵</sup> پس متن فارسی عقائد نسفی به روایت برهان‌الدین مرغینانی به دست ما رسیده است.

آنچه که از محتوای گزارش‌دهی برهان‌الدین مرغینانی برمی‌آید اینست که انگیزه نوشتن این رساله همان تقاضای حکمران سلطان سنجر در سال ۵۳۵ هـ بود. گیریم که امام نسفی چنین رساله‌ای به زبان عربی از قبل نگاشته می‌داشت، می‌بایست که برهان‌الدین مرغینانی

<sup>۱</sup> «رساله ابوحفص نسفی در بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت»، محمد خوانساری و آلبرت ناپلئون کمپانیونی، فرهنگ ایران‌زمین، شماره ۴، سال ۱۳۳۵ هـ ش.

<sup>۲</sup> «می‌گوید بنده ضعیف علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الرشدانی... که این کتابی است که خواجه امام اجل زاهد حجاج نجم‌الدین ابوحفص عمر بن محمد بن حمد النسفی رحمه الله جمع کرده است در بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت به پارسی.»

<sup>۳</sup> «الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه» محی‌الدین عبدالقادر قرشی (۱/ ۳۸۳)، «سیر أعلام النبلاء» شمس‌الدین ذهبی (۱۵/ ۳۸۳)، و «الفوائد البیهة فی تراجم الحنفیه» علامه لکنوی (۱/ ۱۴۱).

<sup>۴</sup> بنگرید به لغت‌نامه دهخدا (رشتان و فرغانه)، «الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه» محی‌الدین عبدالقادر قرشی (۲/ ۳۱۱)، و «الأنساب» ابوسعید سمعانی (۶/ ۱۲۳). در «الجواهر» در سوانح دو شخص آمده است که هر یک از ایشان گفته اند که «صاحب الهدایه را در رشدان دیدم» (۲/ ۱۴ و ۱/ ۳۹۹).

<sup>۵</sup> مقدمه عمران احسن خان نیازی در ترجمه انگلیسی «الهدایه» برهان‌الدین مرغینانی، اسلام آباد: ۲۰۱۶ (جلد اول، صفحه ۷).

اشاره‌ای می‌کرد که گویا امام نسفی فلان رساله یا کتاب خویش را به فارسی برای شان برگردان نمود. درحالی‌که هیچ چنین یادآوری از جانب مرغینانی صورت نگرفته است. بر این اساس، محتمل است که امام نسفی پس از کتابت متن فارسی برای حاکم سیستان، آن را به عربی و با اضافه نمودن مقدمه مختصری به شکل رساله‌ای درآورده باشد.

با مطابقت دادن متن فارسی با متن عربی عقائد النسفی درمی‌یابیم که تنها تشریحات مقدماتی امام نسفی در مورد «اسباب علم» که شامل «حواس سالم، اخبار درست، و عقل» می‌گردد در متن فارسی گنجانیده نشده است، و متن فارسی مستقیم به بیان ارکان اعتقادی می‌پردازد. فراتر از آن، تنها تفاوت‌های جزئی در بعضی از بحث‌ها میان نسخه‌های فارسی و عربی دیده می‌شوند که قابل ملاحظه نیستند.

### ج. در فقه، اصول الفقه، و خلافت:

#### ۷. «المنظومة النسفی فی الخلاف» / «منظومة فی الخلافات»: [ج]

این یکی از معروف‌ترین آثار امام نسفی است، که در آن موارد اختلافی فقهی میان ابوحنیفه و شاگردانش (یعنی، ابویوسف، شیبانی و زُفر) را، و موارد اختلافی میان احناف، شافعی‌ها و مالکی‌ها را در ۲۶۶۹ بیت به شکل منظوم بیان کرده است.

این کتاب در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط «موسسة الریان» در بیروت، به تصحیح حسن اوزار، به چاپ رسیده است.

بنابر اهمیت این کتاب، بیش از ده شرح بر آن نوشته شده است. بنابر اهمیت این کتاب، بیش از ده شرح بر آن نوشته شده است. بحیث مشهورترین این شروح، میتوان از دو اثر یاد کرد. یکی شرحی است از آن علاءالدین عبدالحمید اسمندی سمرقندی (متوفای ۵۵۲ هـ) بنام «مختلف الروایة» (و در بعضی از نسخه‌ها بنام «حصر المسائل وقصر الدلائل» نیز نامیده شده). اما این کتاب را عبدالرحمن مبارک الفرّج در سال ۱۴۲۲ هـ به نام امام ابو الیث سمرقندی به نشر رسانیده، و علاءالدین اسمندی را راوی و جمع‌آوری کننده این کتاب خوانده است. درحالی‌که پیش از وی، دکتر عیسی ذکی عیسی در تحقیق دکتورای خویش (۱۴۰۵ هـ دانشگاه

اسلامی مدینه منوره) نشان داده بود که مؤلف این کتاب علاء‌الدین اسمندی است. در اکثریت نسخه‌های خطی «مختلف الروایة»، کاتبان به صراحت این اثر را «شرح منظومة الخلاف» عنوان کرده‌اند. در بعضی از نسخه‌ها، بیت منظومه در هر باب یا مسئله نگاشته نشده، اما در تعدادی دیگر از نسخه‌ها، نخست بیت منظومه در هر مسئله نقل گردیده و سپس متن کتاب نگاشته شده است. دلیلی که «مختلف الروایة» را بعضی‌ها به امام ابواللیث سمرقندی نسبت می‌دهند این است که امام ابواللیث کتابی به همین نام و با همین موضوع داشته است. البته کاملاً ممکن است که امام نجم‌الدین نسفی و همچنان علاء‌الدین اسمندی در آن زمان به کتاب اولیة امام ابواللیث دسترسی داشته‌اند و از آن استفاده کرده باشند، اما اینکه ابیات منظومة الخلاف – که در سال ۵۰۴ هـ توسط امام نجم‌الدین نسفی تحریر یا سروده شده – در بعضی از نسخه‌های خطی «مختلف الروایة» نقل گردیده‌اند، این را به اثبات می‌رساند که این اثر عین کتاب امام ابواللیث نیست.

شرحی دیگر از آن ابوالبرکات حافظ‌الدین نسفی (متوفای ۷۱۰ هـ) است بنام «المصفی فی منظومة الخلافیات». حاجی خلیفه در کشف الظنون می‌گوید که حافظ‌الدین نسفی دو شرح بر «منظومة الخلافیات» نجم‌الدین نسفی نوشته است، که شرح مفصل‌تر آن به نام «المصتسفی» و شرح مختصر آن به نام «المصفی» نامیده شده است. «المصفی فی منظومة الخلافیات» اخیراً توسط «دارالنور» در عمان، به تصحیح حسن أوزار، در سه جلد به چاپ رسیده است.

یکی از شروح دیگر این اثر، شرح مختصر به فارسی است، که شارح پس از هر بیت عربی شرح آن را به فارسی نگاشته است. با آنکه این اثر شرح کامل «منظومة فی الخلافیات» است و شارح همه ابیات آن را به فارسی ترجمه و شرح کرده است، شارح نام خود را نگاشته و نامعلوم است. این نسخه در سال ۶۶۵ هـ و به گمان اغلب در ماوراءالنهر کتابت شده است. یگانه نسخه این اثر در کتابخانه ملت استانبول به شماره ۸۱۹ در مجموعه فیض الله افندی نگهداری می‌شود. آقای علی صفری آق‌قلعه در مقاله‌ای این نسخه را شرح داده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> «شرح فارسی منظومة خلافیات نسفی؛ نسخه مورخ ۶۶۵ ق»، علی صفری آق‌قلعه، در «آینه میراث»، دوره ۱۴،



این شرح بدون مقدمه‌نگاری مستقیم به شرح ابیات «منظومة الخلافات» می‌پردازد، که باب اول آن در نظریات امام ابوحنیفه است و ابیات نخستین آن به مسائلی مربوط به «نماز» است. نمونه‌ای از ابیات نخستین و شرح آن را در ذیل نقل می‌کنیم:

«بَابُ الَّذِي اخْتَصَّ أَبُو حَنِيفَةَ بِهِ مِنَ الْمَسَائِلِ الشَّرِيفَةِ  
يَكْتَبِرُ الْقَوْمَ مَعَ الْإِمَامِ لَا بَعْدَهُ فِي أَوَّلِ الْقِيَامِ  
تَكْبِيرٌ گویند مقتدیان برابرِ امام، نزدِ ابوحنیفه رحمه الله؛ و نزدیکِ ابویوسف  
و محمد، پس امام گویند.  
و يَكْتَفِي الْإِمَامُ بِالسَّامِعِ فِي رَفْعِهِ الرَّأْسَ مِنَ الرُّكُوعِ  
امام «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گوید پسندۀ بُودِ نزدِ ابوحنیفه؛ و نزدِ ایشان «ربنا  
لَكَ الْحَمْدُ» نیز بگوید.  
كَوَاكْتَفَى بِالْأَنْفِ فِي سَجْدَتِهِ جَاَزَ بِلَا عَذْرِ عَلَى جَبْهَتِهِ  
در سجده بینی بر زمین نهد بی پیشانی بی عذری، نماز روا بُودِ نزدِ  
ابوحنیفه؛ و نزدِ ایشان روا نَبُودَ، و اگر پیشانی نهد دست<sup>۱</sup> نهد به اتفاق  
روا باشد.  
وَلَوْ تَلَا بِالْفَارْسِيِّ يُجْزِي وَجَوَّزًا ذَلِكَ عِنْدَ الْعَجَزِ  
در نماز، قرآن به پارسی خواند یا تشهد به پارسی گوید یا تکبیر افتتاح به  
پارسی آرد، روا بُودِ اگر عربی داند یا نداند عِنْدَهُ؛  
و عِنْدَهُمَا<sup>۲</sup> اگر عربی داند و پارسی خواند، روا نباشد.»

<sup>۱</sup> در نسخه این قسمت شاربیده است، ولی آنچه که دیده می‌شود علامت «فتحه» بر حرف اول این لفظ است، و علامت «سکون» بر حرف دوم دیده می‌شود، و حرف آخری خوانا است یعنی «ت»، که این را «دست» تصحیح نمودم. ولی آقای آق‌قلعه این لفظ را «بینی» تصحیح نموده است.

<sup>۲</sup> یعنی امام ابویوسف و امام محمد شیبانی.

## ۸. حصر المسائل و قصر الدلائل: [چ]

این کتاب شرح «منظومة فی الخلافات» امام نسفی است. در مقدمه‌اش امام نسفی یادآوری می‌کند که چون «نظم الخلافات» را نوشت، مورد پسند «بزرگان زمانه» قرار گرفت، ولی چون «دلائل» را در آن ذکر نکرده بود بسیاری‌ها از آن نفع برده نتوانستند. پس «حصر المسائل و قصر الدلائل» را نوشت تا در آن «دلائل» را نیز بگنجاند.

طور مثال، در شرح بیت پنجم «منظومه» که در مورد اختلاف نظر میان ابوحنیفه و دو شاگردش (ابویوسف و محمد شیبانی) بر جواز داشتن نمازخواندن به فارسی است، امام نسفی می‌گوید که امام ابوحنیفه به فارسی‌زبانان اجازه داده بود که در نماز می‌توانند قرائت کردن قرآن، تکبیر یا افتتاح نماز با ذکر نام الله متعال، تشهد در نماز، و خطبه نماز جمعه همه را به فارسی ادا کنند، درحالی‌که ابویوسف و محمد شیبانی این امر را تنها به کسانی جائز دانستند که عربی ندانند.<sup>۱</sup>

سپس امام نسفی دلایل هر دو طرف را بیان می‌کند. ابویوسف و شیبانی می‌گفتند که این از برای آنست که خدای تعالی فرمود: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ «این را قرآنی عربی گردانیدیم» [الزخرف: ۳]، درحالی‌که ابوحنیفه استدلال می‌ورزید که چون خداوند متعال فرمود

<sup>۱</sup> امام محمد شیبانی در «الجامع الصغير» (در «باب فی تکبیرة لافتتاح» در «کتاب الصلاة») این مسئله را بیان می‌کند:

«ابوحنیفه افتتاح نماز [یا تکبیر گفتن] را به فارسی، خواندن نماز را به فارسی، یا تسمیه گفتن حین ذبح کردن را به فارسی به کسی که [حتی] عربی‌اش خوب هم باشد اجازه داده بود. ولی ابویوسف و محمد اجازه ندادند، و [تنها] به کسی اجازه داده اند که عربی‌اش خوب نباشد.» («الجامع الصغير»، محمد بن حسن شیبانی، مع شرحه «النافع الكبير» للامام عبدالحی الکنوی، اداره القرآن والعلوم الإسلامیه، کراچی پاکستان، ۱۹۹۰ م: صفحه ۹۴ و ۹۵)

امروز برداشت عام اینست که گویا امام ابوحنیفه نظر خود را در پایان عمرش در مورد جائز بودن نماز به فارسی تغییر داده است. چنین فرضیه‌ای درست بوده نمی‌تواند زیرا شاگرد خود امام ابوحنیفه یعنی محمد شیبانی که در آخرین سال‌های زندگی امام ابوحنیفه با او بود در «الجامع الصغير» خود کاملاً به صراحت اختلاف نظر میان ابوحنیفه و ابویوسف را درین مسئله یادآوری می‌کند.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا﴾<sup>۱</sup> «و همچنین فرستادیم این [قرآن] را فرمانی به عربی» [الرعد: ۳۷]، پس فرمان فارسی هم فرمان قرآن است، و نیز قرائت آن. و این حکم و فرمان با تبدیل نمودن زبان تغییر نمی‌خورد، درحالی‌که قبلاً هم بخش‌هایی ازین فرمان در کتاب‌ها و صحیفه‌های پیشین، که هریکی به زبان متفاوتی بودند، آمده است: ﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ «بیگمان این [قرآن] در کتاب‌های پیشینیان [نیز] بود» [الشعراء: ۱۹۶]، و ﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ «هرآئینه این [فرمان] در صحیفه‌های نخستین [نیز] بود» [الأعلى: ۱۸].<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که منظور امام نسفی - و منظور امام ابوحفیفه - از «حکم» یا «فرمان» نه تنها احکام امر و نهی قرآن است، بلکه هم‌چنان معنا و اعجاز معانی قرآن است که با تغییر زبان تغییر نمی‌یابند.<sup>۲</sup>

این اثر به تازگی توسط «مکتبه دار الفجر» در دمشق (۲۰۲۰ م)، با تصحیح عماد قدری عیاضی، در دو مجلد به چاپ رسید.

#### ۹. «طَلَبَةُ الطَّلَبَةِ فِي الْإِصْطِلَاحَاتِ الْفَقْهِيَّةِ»: [ج]

کتابی است در شرح اصطلاحات فقهی مذهب حنفی. این کتاب طی قرن‌ها در مدرسه‌های ماوراءالنهر، خراسان، عراق، ترکیه، شام و هند بحیث کتاب درسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در سالهای اخیر، این کتاب چندین مراتبه در کشورهای مختلف عربی توسط محققین مختلف به نشر رسیده است.

۱۰. «الخصائل فی الفروع» [ع]: کتاب بزرگی بوده است در فقه.

۱۱. «الحصائل فی المسائل» [ع]

<sup>۱</sup> نسخه خطی «حصر المسائل وقصر الدلائل» در مجموعات فیض الله افندی، کتابخانه ملت ترکیه، به شماره ۷۲۰. (برگ سوم).

<sup>۲</sup> این نظر مجتهدین بزرگ مذهب حنفی چون امام ابوجعفر طحاوی (متوفای ۳۲۱ هـ) [در کتابش «شرح مشکل الآثار»]، امام ابوالحسن قدوری (متوفای ۴۲۸ هـ) [در کتابش «التجريد فی الخلافات»]، و امام احمد سرخسی (متوفای ۴۸۳ هـ) [در کتابش «المبسوط»] نیز می‌باشد.

## ۱۲. «شرح مدار الأصول» [ج]:

شرح مختصری است بر «رساله فی الأصول» امام عبیدالله کرخی (متوفای ۳۴۰ هـ) که یکی از اولین کتاب‌ها در «اصول‌الفقه» و «القواعد‌الفقهیه» به شمار می‌رود. امام کرخی از جمله امام مجتهدین پیشگام مذهب حنفی است که به سه سلسله شاگردی به امام ابوحنیفه می‌رسد. نسخه این رساله به گونه گسترده در شبه قاره هند، پاکستان و دیگر کشورها چاپ شده است. تصحیح علمی این اثر توسط «المجمع‌الفقهی العراقی» به تصحیح دکتر اسماعیل عبد عباس در سال ۲۰۱۸ م به نشر رسیده است.

## ۱۳. «أصول النسفی (تحصیل أصول الفقه وتفصیل المقالات فیها علی الوجه)» [ج]:

این اثر رساله ای است در اصول‌الفقه حنفی، که همانند «اصول‌البزدوی» مبادی اصول‌الفقه حنفی را بگونه خلص و مجمل ولی جامع و بسیط بیان کرده است.

همانگونه که امام ابوحفص نسفی «عقائد نسفی» را تلخیص کتابهای «التبصره الأدله» و «التمهید لقواعد التوحید» امام ابوالمعین نسفی - که استاد ابوحفص نسفی بود - تألیف نموده است، کتاب «تحصیل أصول الفقه» را نیز تلخیص آثار دو همصنفی اش یعنی «میزان الأصول فی نتائج العقول» امام علاء‌الدین سمرقندی و «کتاب فی أصول الفقه» ابوالثناء لامشی قرار داده است.

متن کامل این اثر در نسخه خطی «مجمع‌العلوم ومطلع‌النجوم» که در اکادمی علوم ازبکستان نگهداری می‌شود وجود دارد. متن کامل آن به کوشش بهاء‌الدین قراقوش در یکی از ژورنال‌های ترکی تصحیح و به نشر رسیده است.

## ۱۴. «مشارع الشارع» [ع]:

اثری است در فقه حنفی که همانند «شرح الجامع‌الصغیر» امام بزدوی یا «المبسوط» امام سرخسی، سائر بخش‌های فقه حنفی را دربر می‌گیرد. متن کامل این کتاب در اثر دایره المعارف وی بنام «مجمع‌العلوم ومطلع‌النجوم» درج گردیده است. نسخه خطی آن در اکادمی علوم ازبکستان موجود است.

۱۵. «منظومة الجامع الصغير» [ع]: در این اثر، امام نسفی «الجامع الصغير» امام محمد شیبانی را در ۸۱ بیت به نظم درآورده بود. این منظومه‌اش از شهرت زیادی برخوردار بود، که تقریباً در همه منابع اولیه از این یاد شده است.

#### ۱۶. «فتاوی شیخ الإسلام أبی الحسن عطاء بن حمزة السغدی» [ج]:

این فتاوی شیخ الاسلام سغدی را امام نجم‌الدین نسفی گردآوری و تألیف نموده است. شیخ الاسلام سغدی در قرن پنجم هجری در سمرقند می‌زیسته و نزد کسانی چون شمس الأئمه حلوانی، قاضی ابوالحسن ماتریدی (نوه یا نواسه دختری امام ابومنصور ماتریدی)، شیخ علی بن حسین سغدی (که از جمله اساتید شمس الأئمه سرخسی بوده)، و السید ابوشجاع خرقانی سمرقندی به تعلیم پرداخته است. این اثر یگانه منبعی است که فتاوی و نظریات قاضی ابوالحسن ماتریدی و سید ابوشجاع از طریق آن به ما رسیده اند.

امام نجم‌الدین نسفی که نزد شیخ الاسلام سغدی چند سالی به تعلیم پرداخته، این فتاوی را پس از وفاتش جمع آوری و تألیف نموده است. بعضی ازین فتاوی، مانند فتاوی مشهور علمای سمرقند درباره گروی یا بیع وفاء - که در متباقی کتب فقه حنفی چون «المحیط البرهانی فی الفقه الحنفی» از ابن مازه، «رد المختار» ابن عابدین، یا «فتاوی عالمگیری» نقل یافته اند - به نام امام نجم‌الدین نسفی ذکر گردیده اند، درحالی که از آن شیخ الاسلام سغدی می باشد.

این اثر به تصحیح محمد یاسر شاهین توسط نشرات «دار الراحین» در بیروت در سال ۲۰۲۰ م به نشر رسیده است.

#### ۱۷. «الفتاوی النسفیة» [ع]:

این مجموعه فتاوی خود نجم‌الدین نسفی است. به باور نگارنده، شاید خود مجموعه این فتاوی تا امروز محفوظ نمانده باشد، ولی بخش‌هایی از فتاوی نجم‌الدین نسفی در «مجموع الحوادث والنوازل والواقعات» ابوالعباس احمد ابن موسی کشی (متوفای ۵۵۰ هـ) که شاگرد نسفی بود، و در «جواهر الفتاوی» محمد بن عبدالرشید کرمانی (متوفای ۵۶۵ هـ) نقل شده

است. کتاب ابوالعباس کشی را عبدالملک تویچی‌بایف در تیزس دکتورایش در دانشگاه انقره در سال ۲۰۲۱ تصحیح و نشر کرده است، و جواهر الفتاوی کرمانی نیز در سال ۲۰۲۰ در دمشق به نشر رسیده است.

## هـ در تاریخ و تذکره:

### ۱۸. «القند فی ذکر علماء سمرقند»: [ج]

اثر گرانبهایی است که در آن سوانح بیشتر از ۱۲۰۰ تن از علما، فقها و محدثین ماوراءالنهر گنجانیده شده است. تذکره‌نویسان بعدی چون شمس‌الدین ذهبی، محی‌الدین عبدالقادر قُرشی، و حاجی خلیفه مشهور به کاتب چلبی ازین اثر بحیث مرجع استفاده نموده اند. در بعضی منابع، این کتاب را به نام «تاریخ سمرقند» نامیده اند.

این کتاب در سال ۱۳۷۸ هـ ش توسط «آینه میراث»، با تصحیح یوسف هادی، در تهران به نشر رسیده است.

### ۱۹. تاریخ بخارا [ع]

۲۰. «تعداد الشیوخ لعمر مستطرف علی الحروف مستطر» [ع]: در این اثر، امام نسفی فهرستی از ۵۵۰ تن از استادان و شیوخش را در حدیث تهیه نموده بود.

## و. در حدیث و اسناد:

۲۱. «تطویل الأسفار لتحصیل الأخبار» [ع]: در این اثر، احادیثی را که از ۵۵۰ تن از محدثین شنیده بود، درج کرده بود.

۲۲. «النجاح فی شرح أخبار کتاب الصحاح» [ع]: ظاهراً شرحی بوده است بر صحیح بخاری، و در آن امام نسفی اسناد خود را از پنج سلسله متفاوت که به امام بخاری میرسید شرح داده بود.

### ۲۳. الجمل المأثوره [ع]

۲۴. «یواقیت المواقیت» [ع]: اثری در فضیلت‌های ماه‌ها و روزها بوده.

۲۵. دعوات المستغفرین [ع]

### ز. در شعر و ادب:

۲۶. «مطلع النجوم و مجمع العلوم»: [ن]

دایرة المعارفی است حاوی موضوعات مختلف. این اثر دارای ۷۶ بخش یا فصل بوده که شامل موضوعاتی چون: عقائد، اصول‌الفقه، حقوق اسلامی، حدیث، قراءات قرآن، اخلاق، سیره‌النبی، معرفت و عرفان، تاریخ، ادب و بلاغت، نحو، عروض، حساب و مثلثات، طب، گاهشماری، شعر، و فراست (قیافه‌شناسی) می‌گردد.<sup>۱</sup>

یگانه نسخه این اثر در اکادمی علوم ازبکستان (به شماره ثبت: ۱۴۶۲) موجود است. این نسخه دارای ۳۵۶ برگ می‌باشد. اکثریت مطالب در این اثر به زبان عربی می‌باشند.

۲۷. «المختار من الأشعار» [ع]: گویند که اثری بوده در ده جلد.

### آثار مشکوک

برعلاوه این آثاری که در بالا ذکر کردیم، حدود ۱۰ اثر دیگر در منابع اولیه ذکر گردیده‌اند. اما چون‌که هیچ نوع معلوماتی بیشتر در مورد آنها سراغ نیافتیم، از ذکر نام آنها در اینجا خودداری صورت گرفت.

همچنان نسخه‌هایی از رساله‌های کوچک نیز در بعضی کتابخانه‌ها وجود دارد که کاتبان مدعی‌اند که آن‌ها آثار امام نسفی‌اند، درحالی‌که نام این رساله‌ها در هیچ یک از منابع اولیه ذکر نگردیده و نسبت آنها به امام نسفی سخت مشکوک است. متأسفانه دو تا ازین رساله‌ها به نام‌های «فرقه‌های متصوفه» (به فارسی) یا «فی بیان مذهب متصوفین» (به عربی) و «وصیة النبی

<sup>۱</sup> «مخطوط مطلع النجوم و مجمع العلوم»، عماد حسن مرزوق، مجلة كلية الآداب، جامعة المنوفیه، مصر.

(یادداشت به عربی)

لعلی بن ابی طالب» (به عربی) در مجموعه‌های مقالات به چاپ رسیده اند، که پرسش‌های زیادی در مورد نسبت آنها به امام نسفی وجود دارد.